

پس از یازده سپتامبر

مسائل هسته‌ای؛

روندهای نو پدید و فراروی*

برونوتر تراس

برگردان: امین روان بُد

مقدمه

امنیت کلاهکهای هسته‌ای و مواد هسته‌ای می‌پردازد. سپس تأثیر حادثه یازده سپتامبر را بر گسترش هسته‌ای، سیاستهای بازدارندگی هسته‌ای غرب و رقابتهای هسته‌ای را مورد مذاقه قرار می‌دهد. نویسنده در پایان نتیجه می‌گیرد که یازده سپتامبر ۲۰۰۱، ماهیت مناظره هسته‌ای را به طور جدی دچار تغییر نکرده است و گاهی تأثیرات ضد و نقیضی بر سیاستهای هسته‌ای و روندهای در حال ظهور آن بر جای گذاشته است. نویسنده معتقد است در حالیکه واژه «هسته‌ای» را به وفور می‌توان در گفتمان

این مقاله را سودای آن است تا تأثیر یازده سپتامبر و جنگ علیه تروریسم را بر مناظره کنونی هسته‌ای مورد بررسی قرار دهد. در قسمت اول به بررسی تأثیر بر تروریسم هسته‌ای می‌پردازد و سه سناریوی ۱- دستیابی بازیگر غیر دولتی به سلاح هسته‌ای، ۲- حمله علیه تأسیسات هسته‌ای، و ۳- انفجار «بمب کثیف» را در این زمینه مطرح می‌کند. پس آن‌گاه در مبحث انرژی هسته‌ای به تناقض امنیتی کشورهای صنعتی اشاره می‌کند که در آن کشورهایی که کالای لازم برای رشد کشورهای صنعتی تهیه می‌کنند، خود محل پرورش تروریسم هستند. در مبحث سیاستهای کنترل هسته‌ای به تأثیر بر

*. متن حاضر برگردان نوشتار زیر است:

Bruno Tertrais, "Nuclear Issues in The Post-September 11 Era: Emerging Trends", Fondation pour la Recherche Stratégique.

نقدی بر دیدگاه پردکنندگان دکترین بازدارندگی

نظریه بازدارندگی هسته‌ای

از تئوری تا عمل

مهدی حبیب‌اللهی

مقدمه

برخلاف عقیده بسیاری که معتقدند عصر تئوری بازدارندگی هسته‌ای پس از جنگ سرد به سر آمده، فرض اصلی این پژوهش آن است که این چنین نبوده، نیست و نخواهد بود. تئوری بازدارندگی هسته‌ای، از جمله نظریاتی است که بیش از سایر نظریه‌های موجود در روابط بین‌الملل، فقط در مرحله‌ی نوشته و نظر باقی نمانده و صبغه‌ی عملی به خود گرفته است. پس از جنگ جهانی دوم، تئوری موازنه قوا که از تئوریهای قرن ۱۹ تا اواسط قرن ۲۰ بود، کارایی خود را به دلایل مختلف از دست داد. برخی از اندیشمندان روابط بین‌الملل به جهت بررسی روابط ابرقدرتها، در جنگ سرد، تئوری بازدارندگی هسته‌ای را تدوین کردند.

این زمان همراه بود با تعارضات سیاسی و ایدئولوژیکی، بین دو قطب، یعنی آمریکا و شوروی سابق، معهذاً، در دوران جنگ سرد به علت قدرت تخریبی سلاحهای هسته‌ای و ترس از نابودی دو طرف در صورت استفاده، تنها یک مرتبه از آن استفاده شد. پس از جنگ سرد، با فروپاشی شوروی، تنها قدرت یکه‌تاز صحنه بین‌الملل ایالات متحده شد، که توان هسته‌ای خود را برای جلوگیری از حمله‌ی دیگران به ارزشهای خود به کار برده است و بازدارندگی هسته‌ای را در روابط با سایرین ملحوظ داشته است.

←

امنیتی پس از یازده سپتامبر مشاهده کرد، اما ایالات متحده و متحدانش دیگر احتمال استفاده از سلاحهای هسته‌ای را کانون سیاستهای امنیتی خود نمی‌دانند و برای نخستین بار پس از سال ۱۹۴۵، بازندگی هسته‌ای دیگر با بنیادهای امنیت غرب پیوندی جدی ندارد.

۱- مسائل هسته‌ای پس از یازده سپتامبر

وقایع یازده سپتامبر و جنگ علیه تروریسم چه تأثیری بر مناظره‌ی هسته‌ای زمان حاضر داشته است؟ این مقاله معتقد است اگر چه این وقایع، مناظرات هسته‌ای را کاملاً دچار تغییر نکرده است اما بر تمام مسائل سیاستگذاری هسته‌ای تأثیرگذار بوده است. درجه‌ی این تأثیر با توجه به موضوع متفاوت بوده است. وقایع یازده سپتامبر، جنگ افغانستان، خطر آنتراکس و جنگ مداوم علیه ترور و بحران عراق بر خطرات تروریسم هسته‌ای به اشکال گوناگون تأکید کرده است. این وقایع بر مناظره‌ی انرژی هسته‌ای به طرق گوناگون اثر داشته و سبب شده است تا صنعت هسته‌ای به تجدید نظر در اقدامات امنیتی پردازد و طیف حملات علیه نیروگاه‌ها را گسترده‌تر بداند.

این وقایع، وابستگی بیش از حد کشورهای صنعتی به نفت مناطق بی‌ثبات را مورد سؤال قرار می‌دهد؛ مناطقی که ظاهراً محل پرورش تروریسم هستند. این وقایع با افزایش خطر دسترسی رژیمهای یاغی یا بازیگران غیر دولتی به سلاحهای هسته‌ای یا مواد شکافت‌پذیر،

وضعیت عدم تکثیر سلاحهای هسته‌ای و کنترل تسلیحات را دگرگون ساخته است و سؤالاتی جدی در مورد معنا و کارایی بازدارندگی مطرح کرده است.

۲- تأثیر بر خطر تروریسم هسته‌ای

از اواخر دهه‌ی ۸۰، شمار فزاینده‌ای از گروه‌ها به انجام اقداماتی تمایل نشان دادند که تلفات بسیار بر جای می‌گذاشت و از قالب سنتی تروریسم به عنوان شکل نهایی «چانه زنی سیاسی» خارج شدند. انفجار مرکز تجارت جهانی برای اولین بار نشان داد که آنها در کشتن هزاران تن از مردم هیچ تردیدی به خود راه نمی‌دهند و بدین ترتیب بر پیش‌بینیهایی که از سالهای ۹۸-۱۹۹۷ در مورد «تروریسم فاجعه بار» می‌شد، صحه گذاردند. این مسئله بیم از امکان هسته‌ای شدن تروریسم را افزایش داده است.

بدین ترتیب بیم از تروریسم هسته‌ای که قدمتی قابل توجه دارد، بار دیگر احیا شد. در اکتبر ۲۰۰۱، ریاست جمهوری بوش به گروه امنیت ملی خود دستور داد تا «تهدید هسته‌ای را بر دیگر تهدیدات اولویت دهند»^(۱) ظاهراً حس‌گرهای فنی جدیدی در طول مرزهای ایالات متحده و در نقاط حساس نصب شده است.

با این حال، تروریسم هسته‌ای اصطلاحی است که بسیاری از سناریوهای احتمالی گوناگون و تبعات متنوع آنها را در بر می‌گیرد.^(۲)

از طرفی، قدرتهای کوچک‌تر به‌ویژه در مناطقی که از حساسیت ویژه‌ای برخوردار بوده، یا به سلاح هسته‌ای دست یافته و یا در جهت دستیابی به آن در تلاش‌اند و از این طریق برای حفظ بقا و امنیت خود و به منظور تهدید از آن، سلاح اتمی را امری ضروری می‌دانند. این در حالی است که هیچ رژیم امنیت دسته‌جمعی به طور کامل به وجود نیامده و ساختار نظام بین‌الملل، دولت محور است. نبود یک اقتدار فائده بین‌المللی همچون سازمان ملل قوی، نیاز به امنیت از طریق اصول دفاع از خود و خودیاری را توجیه می‌کند. بنابراین، به دست آوردن سلاح هسته‌ای به عنوان عامل امنیت به هم زنده‌ی ثبات بین‌المللی نیست چرا که به بازدارندگی هسته‌ای می‌انجامد. در نتیجه تا زمانی که سلاح هسته‌ای هست، بازدارندگی هسته‌ای با کارویژه‌ای مشخص وجود دارد.

از نظر مورگنتا که از بانیان اصلی تئوری موازنه‌ی قدرت می‌باشد پس از جنگ دگرگونی اساسی رخ داده که به کارکرد این تئوری شدیداً لطمه وارد ساخته است. به عنوان مثال کاهش تعداد قدرتهای بزرگ و دوقطبی شدن جهان و در نتیجه کاهش نقش و آزادی عمل قدرتهای کوچک‌تر و نیز دگرگونی عمده ساختاری که پیامد این دوقطبی شدن است، یعنی نبود قدرت موازنه‌دهنده (Balancer) از موارد عدم کارایی تئوری موازنه‌ی قدرت است لذا برخی از اندیشمندان عالم سیاست به خاطر بررسی روابط ابرقدرتها در دوران جنگ سرد تئوری بازدارندگی را تدوین کردند. البته به لحاظ ظهور سلاحهای هسته‌ای و قدرت تخریبی بالای آن که نه یک طرف را، بلکه طرف مقابل و بقیه واحدها را در خطر نیستی و نابودی قرار می‌داد می‌توان گفت که تدوین این تئوری بیشتر ناشی از الزامات کارکردی و عملی بود تا توجیهات تئوریک. در واقع هر چه علم، پیشرفت بیشتری کرد و تجهیزات نظامی و هسته‌ای توسعه‌ی بیشتری یافت و در نتیجه خطر کاربرد

آنها بیشتر شد، این تئوری نیز استحکام و قوام بیشتری یافت. درخور توجه است که بعد از کاربرد سلاح هسته‌ای برای اولین بار و آخرین بار توسط آمریکا در جنگ علیه ژاپن، دیگر از این سلاح استفاده نشده و کشورهای هسته‌ای بارها و بارها به تهدید استفاده از بمب اتمی یعنی همان بازدارندگی متوسل شده‌اند.

مفهوم و تئوری بازدارندگی

بازدارندگی از نوآوریهای مربوط به قرن ۲۰ نیست بلکه چونان اصلی استراتژیک از زمان رومیها و یونانیهای باستان در کار بوده است^(۱) و گرچه مفهوم بازدارندگی به ملاحظات دفاعی محدود نمی‌شود ولی سابقه‌ی آن در جهان به قدمت تنازع و مخاصمه است.^(۲) البته بازدارندگی صرفاً بین کشورها و یا در مفهوم هسته‌ای آن مطرح نیست بلکه یک دولت می‌تواند در درون کشور خود از یک دسته از اقلیتهای نژادی علیه گروهها و اقلیتهای دیگر از بازدارندگی بهره‌برد. لذا ما می‌توانیم بازدارندگی را در ابعاد فرهنگی، قومی و نژادی نیز ملاحظه کنیم. اما آنچه مطمح نظر این نوشته است بیشتر، بازدارندگی بین واحدها و بازیگران اصلی نظام بین‌الملل یعنی دولتها و آن هم از نوع هسته‌ای آن است. واژه‌ی بازدارندگی در مقابل واژه‌ی انگلیسی "Deterrence" اتخاذ گردیده و به معنی منع کردن و توقیف کردن و جلوگیری کردن است که از ترکیب de + terrere یعنی از ترکیب away from + Terror گرفته شده است. یعنی پیشگیری کسی از انجام عملی به سبب ترس، وحشت و شک و تردید. با این مفهوم، بازدارندگی یک اثر روانی بر دشمن دارد و او را از اندیشه‌ی حمله یا شروع به جنگ باز می‌دارد.^(۳) تئوری بازدارندگی برخاسته از مکتب رئالیسم است. در واقع پایه‌های تئوری بازدارندگی بر یک سری از مفروضات این مکتب استوار است رئالیستها به لحاظ اینکه معتقدند قدرت نظامی باعث عدم تجاوز کشورها به یکدیگر

←

نخست: اولین سناریو حاکی از این است که یک بازیگر غیر دولتی به سلاحهای هسته‌ای عملیاتی دست یابد و میل و توانایی منفجر کردن آنها در یک شهر غربی را داشته باشد (سناریوی «حاصل جمع بیم از تروریسم هسته‌ای»). احتمال به وقوع پیوستن این سناریو ضعیف ارزیابی می‌شود. دودیدگر: دومین سناریو، حمله به تأسیسات هسته‌ای است. تأسیسات هسته‌ای نظامی و غیر نظامی در جهان، تحت هنجارهای امنیتی و ایمنی خاصی حفاظت می‌شوند که بسیار فراتر از اقداماتی است که در مورد دیگر صنایع (مانند صنایع شیمیایی و صنعت گاز) به کار گرفته می‌شود. تحلیل‌گران برآورد می‌کنند که حمله‌ی مؤثر به یک نیروگاه هسته‌ای با مشکلات فراوانی روبه‌رو است البته اگر «حمله‌ی دقیق» یا خرابکاری سازمان‌یافته از درون را به حساب نیاوریم؛ با این وجود حتی خرابکاری و حمله‌ی دقیق نیز بسیار سخت و طاقت‌فرساست. به هر حال، ترس از «حمله‌ی بعدی» تأثیری جدی بر صنعت هسته‌ای داشته است.^(۴) حملات یازده سپتامبر سبب شد تا در بیشتر کشورهایی که از طریق هسته‌ای برق تولید می‌کنند، تدابیر امنیتی مورد تجدید نظر قرار گیرند. شواهد اولیه‌ای که نشان می‌داد «هواپیمای سقوط کرده‌ی چهارم» در پنسیلوانیا به مقصد نیروگاه تری مایل آیلند (Mile Island)

Three) در حرکت بوده است، آگاهی عمومی از مسئله و حساسیت سیاسی نسبت به آن را افزایش داد.

بسیاری از تأسیسات مهار راکتور، آمادگی یک برخورد مستقیم را ندارند و در این زمینه، استخرهای سوخت مصرف شده بسیار آسیب پذیرترند.^(۴) در برخی از کشورها (فرانسه و مجارستان) کمی پس از یازده سپتامبر، اقداماتی فوق العاده انجام گرفت، از جمله استقرار دفاع هوایی در نزدیکی تأسیسات حساس هسته‌ای. بسیاری از متخصصان معتقدند که دفاع هوایی در زمینه‌ی کاهش خطر خیلی سودمند نیست. شکی نیست که جهت حمله به هواپیمایی که در آخرین لحظه تغییر مسیر داده است، اجازه‌ی سیاسی لازم است و زمان اخذ این اجازه باید موجود باشد و از طرف دیگر دفاع هوایی سرزمینی در برخی از کشورها (از جمله روسیه) به شدت کاهش یافته است. اما چنین اقداماتی تأثیر روانی مثبتی بر مردم ندارد.

پس آن‌گاه: سومین سناریو انفجاریک «بمب کثیف» است که به جهت تسهیل و سادگی نسبی انجام این کار، خطرناکترین سناریو محسوب می‌شود. در نوامبر ۱۹۹۵، شورشیان چچنی یک وسیله رادیولوژیکی دست ساز را (با استفاده از سسیوم - ۱۳۷) در پارک اسماعیل اف مسکو کار گذاشتند که نمونه‌ای ساده از این سناریو می‌باشد.

می‌شود از این تئوری حمایت می‌کنند. «نظریه پردازان این مکتب معتقدند چون نمی‌توان از طریق حقوق بین‌الملل و سازمانهای بین‌المللی صلح را برقرار کرد باید از طریق بازدارندگی به صلح رسید.»^(۴) ولی ایده آلیستها با این تئوری مخالفند چرا که اعتقاد دارند این تئوری مستلزم رقابت تسلیحاتی می‌شود و با خلع سلاح کامل، بهتر می‌توان صلح و امنیت بین‌المللی را کسب و حفظ کرد.

این نظریه اساساً از بعداز جنگ دوم جهانی به کار رفت، در گذشته، نیروهای نظامی یک ملت خود را برای هر جنگی آماده و به قصد پیروزی مبادرت می‌کردند ولی در عصر هسته‌ای، کارایی تأسیسات نظامی قدرتهای بزرگ براساس توان آنها در بازدارندگی یا جلوگیری از بروز یک جنگ هسته‌ای عمومی سنجیده می‌شود تا زمانی که آمریکا نیروی هسته‌ای انحصاری را داشت هیچ نظریه‌ی منسجمی در رابطه با بازدارندگی به وجود نیامد.^(۵)

نظریه پردازان بازدارندگی به لحاظ برداشتها و تحولات مختلف به سر و سامان دادن به نظریه بازدارندگی پرداختند این تحولات و برداشتها عبارت بودند از: اول- جنگ کره، دوم- آگاهی از اینکه هر دو قدرت به زودی دارای زرادخانه‌های هسته‌ای قابل توجهی می‌شوند و سوم اینکه کشورهای غربی از لحاظ برابری نظامی با کشورهای کمونیستی ضعیف‌اند^(۶) رویارویی دو قدرت شوروی و آمریکا بر سر مسائل بین‌المللی در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ نشان داد که رهبران سیاسی - نظامی دو کشور متقاعد شده‌اند که تنها راه دفاع از کبان خود دستیابی به تسلیحات نظامی پیشرفته‌تر از سلاح دشمن است. اعتقاد به ضرورت داشتن آخرین سیستمهای نظامی، این کشورها را از یک سو در مسیر رقابتهای توانفرسا گرفتار کرد و از سوی دیگر آنها را به خویشتن داری و مصالحه واداشت با تغییرات عظیمی که در تکنولوژی اسلحه سازی ناشی

←

از دستیابی به بمب اتم و تولید سیستم‌های پرتابی پس از جنگ ایجاد شد موضوع قدرت نظامی و کاربرد آن در روابط بین الملل موضوعی به مراتب پیچیده تر گردید. بدین لحاظ استراتژی بازدارندگی به عنوان مناسب ترین استراتژی سدی یا مهار قدرت نظامی مطرح شد.^(۷) باید توجه داشت که به لحاظ موازنه‌ی وحشتی (Balance of terror) که از پیدایش این سلاح و قدرت مخرب دو جانبه‌ای که داشت به وجود آمد، دوا بر قدرت در دوران ابتدایی جنگ سرد به رغم نفرت چشمگیر ایدئولوژیکی و سیاسی که از هم داشتند هرگونه اقدام تهاجمی علیه رقیب را غیرعقلانی می دانستند.

مراحل مختلف بازدارندگی هسته‌ای

از لحاظ سیر تاریخی، مراحل و دوره‌های مختلف تکامل بازدارندگی هسته‌ای را به چند مرحله تقسیم بندی می کنند که عبارت اند از:

مرحله اول: مرحله انحصار دائم از سوی آمریکا یا بازدارندگی یکجانبه (۱۹۴۵-۱۹۴۹)^(۸)

در این زمان نظریه پردازی متوجه پیامدهای سلاح هسته‌ای بر جنگ و روابط بین الملل است و نه دکترین اجرایی. با توجه به تحلیل رفتن توان نظامی شوروی سابق در اثر جنگ جهانی، بازدارندگی هسته‌ای برای آمریکا وجهه‌ی خاصی را ایجاد کرده بود. منظور بازداشتن حمله‌ی عمومی علیه آمریکا یا متحدانش از طریق قابلیت مطمئن وارد کردن زینهای جبران ناپذیر به هر تجاوز، چنین قابلیتی با انحصار اتم از سوی آمریکا مترادف بود. بازدارندگی به مفهوم جنگیدن نیست بلکه به جلوگیری از جنگ متمایل است و اگر یک طرفه باشد نوعی باجگیری است. در این دوران آمریکاییان توان کاربرد سلاح هسته‌ای را داشتند ولی چنین نکردند که البته دلایلی دارد کیسنجر دلایل این امر را چنین می داند:

۱- عدم پشتیبانی و همکاری مردم آمریکا؛

اما این وسایل دست ساز خیلی قوی نیستند چرا که انفجار، مواد هسته‌ای چسبنده به بمب را بخار می کند یا بیش از حد پراکنده می سازد. بدین ترتیب «جذابیت» این کار تا حدی محدود است: با در نظر گرفتن هزینه و نتیجه‌ی کار، شیوه‌های سنتی تروریستی از قبیل انفجارهای هم زمان در مناطق شلوغ و پرازدهام (مثل انفجارهای بالی در اکتبر ۲۰۰۲) با اقبال بیشتری مواجه می شوند.

آیا این بحثها بدین معناست که در مورد تروریسم هسته‌ای بیش از حد تبلیغات شده است؟ احتمالاً نه. بیم از آنرا کس در پاییز ۲۰۰۱ که حتی در فقدان تهدیدات عینی در خارج ایالات متحده بسیاری از ملت‌های غربی رانگران ساخت (- صرف نظر از وقایع غیر مرتبطی چون حملات تک تیر انداز و اشنگتن در سال ۲۰۰۲) - نشان داد که جوامع صنعتی تا چه حد در برابر یک حمله با مقیاس کوچک اما با استفاده از وسائل غیر متعارف آسیب پذیرند. بنابراین هر گروه تروریستی که تمایل داشته باشد و بتواند در مبارزه با غرب از آستانه‌ی دیگری استفاده کند، امکان استفاده از سلاح هسته‌ای را کنار نخواهد گذاشت.

در مورد تمایل گروه القاعده به «هسته‌ای شدن» مناظرات مختلفی مطرح شده^(۵) و شواهدی وجود دارد که نشان می دهد این مسئله یکی از گزینه‌های این گروه محسوب می شده است.^(۶) ظاهراً این سازمان در اوایل دهه‌ی ۹۰، جستجوی

خود را در بازار سیاه کالاهای هسته‌ای آغاز کرده است و اسامه بن لادن علاقه خود به سلاح هسته‌ای را بارها اعلام کرد از جمله در نوشته‌ای در سال ۱۹۹۸ با عنوان «بمب هسته‌ای اسلام»^(۷) در اکتبر ۲۰۰۲، سرویس اطلاعاتی ایالات متحده گزارش داد که القاعده حمله به یک مرکز هسته‌ای را به عنوان «گام بعدی» در نظر گرفته است.^(۸) رشد احتمالی شمار نیروگاه‌های هسته‌ای در آسیا در سالهای آتی، هدفهای بالقوه‌ی دیگری پدید می‌آورد و کنترل بر تولیدات دارای رادیواکتیویتی‌ی پایین مثل استرونتیوم - ۹۰ و سسیوم - ۱۳۷ که در صنعت به کار می‌روند، تقریباً غیر ممکن است.

در سطح ملی، اقداماتی برای کاهش این خطرات انجام گرفته است. این اقدامات به این شرح هستند: افزایش اقدامات فیزیکی امنیتی در تأسیسات هسته‌ای حساس، افزایش شمار و تأثیر حس گرها در نقاط مرزی و دیگر نقاط حساس، بهبود و ترقی هشدار قبلی نسبت به تهدید تروریستی، ایجاد یک فرهنگ امنیتی مترقی تر در تأسیسات علمی و صنعتی با استفاده از مواد هسته‌ای و همچنین تجدید نظر در حمایت از غیرنظامیان و تقویت «مدیریت نتایج» جهت مقابله با یک رویداد هسته‌ای. این اقدامات با تلاشهای بین‌المللی به منظور حفاظت از مواد و سلاحهای هسته‌ای تکمیل می‌شود.

۳- تأثیر بر مناظره‌ی انرژی هسته‌ای

جدای از نگرانیهای اولیه‌ی امنیتی، یازده

۲- عدم اطمینان و اطلاع کامل رهبران آمریکان نسبت به وضعیتی که این کشور در آن قرار داشت؛

۳- نظریه جنگ در آن زمان، که مبتنی بر ضرورت پیروزی کامل بود؛

۴- انگیزه‌های انسانی و وجود خاطره همکاری و اتحاد با شوروی در دوران جنگ دوم جهانی.

مرحله دوم: دوران برابری هسته‌ای یا بازدارندگی متقابل (۱۹۹۰-۱۹۴۹)

مفهوم بازدارندگی متقابل از یک نظر همان مفهوم سنتی «توازن قدرت» است. از اوایل دهه‌ی ۵۰ شوروی به تدریج بر برخی از مشکلات ناشی از جنگ جهانی دوم غلبه کرد و توانست در زمینه‌ی سلاحهای اتمی - بالستیک موفقیت‌هایی به دست آورد. آزمایش بمبهای هسته‌ای، توان نسبی بین دو قدرت را به وجود آورد گاهی دو طرف به **ضربه‌پذیری متقابل**، آنها را واداشت تا مواضع خود را نسبت به یکدیگر مجدداً ارزیابی کنند مسلماً پیشرفتهای تسلیحاتی شوروی در برابر آمریکا که سیاست برتری کامل و بازدارندگی یکجانبه را دنبال می‌کرد بازتاب گسترده‌ای یافت.

دراوت ۱۹۵۷ بود که خروشچف اعلام کرد شوروی به موشکهای دست یافته که قادرند بار اتمی خود را هزاران کیلومتر دورتر، بر زمین بگذارند در اکتبر همین سال اولین ماهواره‌ی شوروی به نام اسپوت نیک در مدار زمین قرار گرفت. این خبر به این معنا بود که نه تنها شوروی موفق شده قبل از آمریکا به موشکهای بین قاره‌ای دست یابد بلکه از این پس شهرهای آمریکا در تیررس سلاحهای اتمی شوروی قرار دارند.^(۹) ویژگی عمده وضعیت بازدارندگی متقابل بین آمریکا و شوروی بالا بودن درک و خویششن داری طرفین بود از لحاظ قابلیت هردو کشور صاحب نیروهای آسیب‌پذیر بودند. بازدارندگی دوجانبه یا متقابل همانند یک خیابان دوطرفه است، که تهدیدات ضد تهدیدات، رقابت در قبول مخاطره و جنگ اعصاب را در بردارد. در نتیجه

←

فعل و انفعالات عوامل فوق ممکن است یکی از دو طرف را از تجاوز باز دارد و یا نتواند هیچ کدام را منصرف نماید در دهه‌ی ۷۰ آمریکا با گفتگو در خصوص محدودیت سلاحهای استراتژیک (سالت) توازن استراتژیک با روسیه شوروی را پذیرفت و بدین ترتیب از اوائل دهه‌ی ۷۰ بازدارندگی یکجانبه به کلی اعتبار خود را از دست داد و بازدارندگی متقابل جای آن را گرفت که خود ناشی از پذیرش همپایگی و توان هسته‌ای از جانب دو کشور بود. دیگر هیچ کدام از دو قدرت توانایی صرف ضربه‌ی دوم^(۹) را نداشتند بلکه هر دو به این توانایی دست یافته و هر کدام می‌توانستند ارزشهای حیاتی طرف دیگر را در صورت استفاده از ضربه اول مورد تهدید قرار داده، دست به اقدام تلافی جویانه بزنند.

مرحله سوم: بازدارندگی چندجانبه (بین قدرتهای پیشین و اشاعه سلاحهای هسته‌ای و بازدارندگی بین قدرتهای کوچک تر منطقه‌ای (از ۱۹۹۰ تا کنون)

آمریکاییان در این دوره در صدد ایجاد بازدارندگی محدود بوده‌اند. قدرتهای دیگری چون هند و پاکستان و برخی دیگر از کشورها - خصوصاً در مناطق حساس - به لحاظ اینکه فضای دوقطبی دیگر حاکم نیست و آزادی عمل بیشتری یافته‌اند و نیز به سلاح اتمی دست یافته‌اند شکل بازدارندگی تغییر یافته. در این دوره، پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ و با وجود تمدید نامحدود NPT در سال ۱۹۹۵ و امضای C.T.B.T در سال ۱۹۹۶، لیکن عملاً بحثهای جدی در زمینه اشاعه‌ی تسلیحات هسته‌ای به وجود آمده است. گرچه بسیاری براین باورند که با فروپاشی شوروی و از بین رفتن یکی از دو قطب، بازدارندگی نیز در سطح ابرقدرتها، دیگر کارایی ندارد ولی چنانچه در صفحات آینده عنوان خواهد شد با وجود پایان ساختار نظام دوقطبی، ولی روسیه‌ی فعلی داعیه‌ی ابرقدرتی از لحاظ هسته‌ای را دارد و با اینکه بر وجوه دیگر قدرت چون اقتصاد و دانش فنی تأکید می‌کند ولی پشتوانه‌ی اتمی را برای

←

سپتامبر و «جنگ علیه تروریسم» تاکنون مناظره‌ی وسیع تری انرژی هسته‌ای را تحت تأثیر قرار نداده است. این مسئله از اثرات بالقوه متضاد این وقایع ناشی شده است.^(۹)

از یک طرف، یازده سپتامبر یک پارادوکس امنیتی که کشورهای صنعتی دهه هاست با آن مواجهند، تأکید می‌ورزد: کشورهایی که کالای لازم را برای رشد غرب تأمین می‌کنند، کشورهای هسته‌ای هستند که محل پرورش بی‌رحمانه‌ترین اشکال تروریسم علیه منافع غرب محسوب می‌شوند. بنابراین، مسئله «سرمایه‌گذاری دوباره» در نیروی هسته‌ای که از اواخر دهه‌ی ۹۰ در اروپا و ایالات متحده مطرح شد، بار دیگر با این بحران تقویت گردید.

از طرف دیگر، جذابیت تأسیسات هسته‌ای به عنوان اهداف بالقوه و هزینه‌های ناشی از افزایش تدابیر امنیتی در مواجهه با نگرانیهای فزاینده‌ی عمومی، ممکن است برق و الکتریسیته‌ی تولیدی از تأسیسات هسته‌ای را از گذشته گران‌تر سازد.^(۱۰)

رئیس کمیته‌ی ناظر بر فعالیتهای هسته‌ای ایالات متحده (NRC) اذعان داشته است که «حملات یازده سپتامبر درک جامعه از خطرات را تغییر داد و جامعه اکنون به تهدید هسته‌ای می‌اندیشد.»^(۱۱) اندکی پس از حملات، NRC در مورد مقتضیات امنیتی، تجدید نظری همه جانبه انجام داد. این کمیته نظام اقدامات حفاظتی و مشاوره‌ای جدیدی در مورد تهدید به وجود آورده است و در مورد «الگوی پایه‌ای تهدید

(DBC) که اقدامات امنیتی حفاظت از تأسیسات هسته‌ای براساس آن تعریف می‌شود، تجدید نظر به عمل آورده است.

علی‌رغم تلاشهای NRC، برخی این کمیته را به جهت ناکامی در مقابله‌ی مناسب با تهدیدات سازمان یافته‌ی تروریستی مورد انتقاد قرار می‌دهند.^(۱۲) جنگ علیه تروریسم نیز ممکن است تأثیر غیر مستقیم گسترده‌تری بر بازار انرژی هسته‌ای بگذارد. دورنمای آتی جریان با ثبات و ارزان تر نفت که از نفوذ فزاینده‌ی ایالات متحده در عراق و آسیای مرکزی ناشی می‌شود، ممکن است حرکت به سمت انرژی هسته‌ای را که در اوایل قرن در اروپا و ایالات متحده آغاز شده بود، کندتر سازد.

۴- تأثیر بر سیاستهای «کنترل هسته‌ای»

اثر اندک بر کنترل سنتی تسلیحات

کنترل تسلیحات هسته‌ای در اثر حوادث یازده سپتامبر و جنگ علیه تروریسم تغییر جدی در خود مشاهده نکرد. در حاشیه می‌توان گفت که این وقایع بر «پارادوکس کنترل تسلیحات» که کامین‌گری آن را تعریف کرده است، تأکید می‌کند؛ پارادوکسی که می‌گوید: مسئله هر چه آسان‌تر باشد، اهمیت خود را بیشتر از دست می‌دهد. شرایط جدید همکاری بین مسکو و واشنگتن، مسائل اختلافات برانگیز دفاع موشکی را فرو نشانند و سبب شد تا هر دو طرف در مورد اصول کاهش نیروها به توافقات عاجلی دست یابند. (معاهده‌ی کاهش تسلیحات

اعمال سیاستها در صحنه جهانی برای خود حفظ کرده است.

راجع به چین نظرات مختلفی وجود دارد. عده‌ای معتقدند چین تا حدی آمادگی شکل‌دادن به نظام دوقطبی و ایجاد یک قدرت بازدارنده در مقابل آمریکا را دارد. «والترز براین باور است که چین از لحاظ استراتژیکی می‌تواند به سادگی نیروهای خود را در سطحی برابر با آمریکا افزایش دهد و احتمال دارد که تاکنون به این طریق عمل کرده باشد چین پنج تا هفت موشک قاره‌پیمای دی-اف-۵ در اختیار دارد که می‌تواند با آنها هر نقطه‌ای را در آمریکا مورد اصابت قرار دهد. خصوصاً در مسئله تایوان و حمایت آمریکا از تایوان، شاید آن را ابزاری برای بازدارندگی علیه آمریکا استفاده کند.»^(۱۱) برخی نیز معتقدند با توجه به اینکه این کشور بر رشد اقتصادی تأکید داشته و دارد (چین ۲۰۲۰)، نمی‌تواند شاخصهای فراساختاری و توان نظامی خود را برای رقابت در سطح بین‌المللی آماده سازد.^(۱۲)

تعریف و انواع بازدارندگی هسته‌ای

از بازدارندگی هسته‌ای تعاریف مختلفی ارائه شده که یکی از تعاریف جامع آن چنین است:

بازدارندگی از کوشش تصمیم‌گیرندگان یک‌واحد سیاسی یا گروهی از واحدها، برای تهدید ارزشهای طرف مقابل حکایت دارد که هدف از این تهدید، تغییر ایجادکردن در راه‌حلهایی است که تصمیم‌گیرندگان یک کشور یا گروهی از کشورها در اختیار دارند چون سلاجهایی اتمی برای تهدید ارزشهای طرف مقابل آنقدر نیرومند هستند. طرف مهاجم آن تهدید را جدی گرفته، و لذا تجاوز نکردن امری محتمل است.^(۱۳)

بازدارندگی انواعی دارد از جمله: بازدارندگی متعارف 'Conventional Deterrence'، بازدارندگی هسته‌ای یا غیرمتعارف، بازدارندگی ساده یا غیرفعال و بازدارندگی گسترده یا فعال^(۱۴)

←

به طور کلی بازدارندگی بر دو قسم است:

۱- بازدارندگی کلی یا *immediate Deterrence* or *general* که به مفهوم به دست آوردن سلاحهای هسته‌ای برای ایجاد ضربه اول می‌باشد. در این راستا تمامی دارندگان سلاح هسته‌ای در آرزوی رسیدن به آن هستند.

۲- بازدارندگی حداقل یا *Minimum Deterrence* که مستلزم توانایی داشتن ضربه‌ی دوم می‌باشد ابرقدرتها به بازدارندگی کلی و قدرتهای درجه دوم به بازدارندگی حداقل اعتقاد دارند. گروه اول شامل کشورهای آمریکا، روسیه، و گروه دوم، انگلستان، چین و فرانسه و هند می‌باشند.^(۱۵)

شرایط و ویژگیهای بازدارندگی

برای درک ابعاد مختلف و نیز کارایی بازدارندگی شناخت ویژگیهای عناصر بازدارندگی ضروری است که مختصراً آنها را توضیح می‌دهیم.

الف: اعتبار *Credibility*

برای اینکه بازدارندگی کارایی داشته باشد باید هرگونه حریف بلقوه‌ای را مطلع ساخت که نه تنها هزینه‌ای (*Cost*) که بر او وارد می‌شود به مراتب از منافع [*Benefit*] آن بیشتر است بلکه همچنین می‌بایست او را متقاعد ساخت تا تهدید را باور کند و اگر حریف بداند که در صورت اقدام موجودیتش به خطر می‌افتد تهدید را جدی‌تر تلقی خواهند کرد و از توسل به جنگ خودداری خواهد نمود و به رفتاری محتاطانه و پرهیزکارانه روی می‌آورد بر اساس نظر شلینگ، بازدارندگی مربوط به تأثیرگذاری بر انتخابهای حریف است که از طریق نحوه‌ی رفتار خود، بر انتظارات او اثر گذاشته باشد در واقع باید تجاوزگر را با تهدید به چیز مخوفی که زیان آن بر هر دستاوردی احتمالی می‌چربد، از نیت خودش باز داشت. پویا بودن تکنولوژی تسلیحاتی از میزان آسیب‌پذیری یا آسیب‌ناپذیری سلاحهای هسته‌ای

←

استراتژیک). اما این تحول قبل از یازده سپتامبر نیز در شرف وقوع بود. در هر حال، آشکار است که روابط هسته‌ای استراتژیک بین روسیه و آمریکا نقش ثبات بخش گذشته‌ی خود را نسبتاً از دست داده است.

۵- توجه و تمرکز دوباره بر اهداف و وسایل

در حوزه‌ی وسیع‌تری از «کنترل تسلیحات هسته‌ای»، یازده سپتامبر مهمترین تأثیر را بر مسئله امنیت فیزیکی تسلیحات و مواد داشته است که به طور روز افزون به مشغله‌ی ذهنی سیاستگذاران غربی تبدیل می‌شود. در حالیکه دولت بوش نسبت به برنامه‌های «کاهش تهدید از طریق همکاری» از آغاز خوش بین نبود (و تصمیم گرفت بودجه‌ی آن را تا ۱۰٪ کاهش دهد)، اما یازده سپتامبر و جنگ علیه ترور، سیاستی معکوس را به دنبال آورد.

این حمایت فزاینده با متمرکز شدن دوباره‌ی تلاشهای کنترل هسته‌ای بر مسئله حفاظت از تسلیحات و مواد همراه شد. اگر چه در این زمینه از هیچ ابزاری غفلت نشد (حتی از رژیمهای بین‌المللی که در نظر اردوگاه جمهوری خواه اهمیت خود را از دست داده بود)، اما دولت بوش برای اقدام یکجانبه، راه‌حلهای ویژه و توسل به زور اهمیت بیشتری قایل شد: اسلاف وی بیشتر بر موافقتنامه‌های چند جانبه، رژیمهای پایدار و استفاده از دیپلماسی تأکید می‌کردند. ایده‌ی استفاده از رژیمها، با این واقعیت مورد تأیید قرار می‌گرفت که بیشتر رژیمها به طور

مستقیم با بازیگران غیر دولتی سروکار نداشتند.^(۱۳) در زمان کلینتون، اقدامات منع تکثیر و گسترش در فهرست ابزار مبارزه با سلاحهای کشتار جمعی در مرتبه‌ی دوم قرار داشت، در حالی که در استراتژی امنیت ملی ایالات متحده، منع اشاعه در جهت مبارزه با سلاحهای کشتار جمعی مرتبه‌ی اول را حایز است. این استراتژی در دسامبر ۲۰۰۲ انتشار یافت.

همچنین، درسی که بی‌شک می‌توان از مسئله‌ی عراق آموخت این است که تغییر رژیم می‌تواند قدرتمندترین و مؤثرترین اقدام منع گسترش هسته‌ای باشد؛ چرا که این مسئله با مثالهای آرژانتین، برزیل و به ویژه آفریقای جنوبی در گذشته به خوبی به منصفی ظهور رسید. (این استدلال باید محتاطانه مورد استفاده قرار گیرد چرا که ممکن است انگیزه‌های سیاسی و فرهنگی منطقه‌ای را جهت هسته‌ای شدن دست کم بگیرد.)

۶- امنیت کلاهکهای هسته‌ای

وقایع سپتامبر و اکتبر ۲۰۰۱، خطرات امنیتی سلاحهای هسته‌ای در پاکستان را افزایش داد. متخصصان عموماً معتقدند که رهبری پاکستان به طور سنتی این مسئله را خیلی جدی دنبال کرده است. به واقع برخی پاکستانیها معتقدند با وجودی که از آغاز برنامه‌های هسته‌ای در سال ۱۹۷۵، تاکنون پاکستان «هشت نخست وزیر، چهار رئیس جمهور، شش رئیس ارتش، چهار

حکایت دارد. با برخورداری از سلاحهای هسته‌ای باید بتوان مهاجمین هسته‌ای احتمالی را با این تهدید روبرو ساخت که حتی در صورت دست‌زدن به ضربه غافلگیرانه بر علیه کشور بازدارنده، باز هم خسارات غیرقابل‌تحملی خواهد دید. ولی اگر حریف نسبت به تصمیمات بازدارنده شک کند و باور نکند که وی در صدد اجرای تهدیداتش می‌باشد و یا همچنین تصور کند که حتی اگر بازدارنده تهدید را عملی می‌کند ولی آن را به‌طور کامل انجام ندهد در آن صورت آن تهدید دچار شکست می‌شود. در این صورت، بسیاری، بازدارندگی را چیزی جز بلوف یعنی نظاهر به اجرای تضمینی بیشتر از آنچه واقعاً وجود دارد نمی‌دانند. بلوف‌زدن خود نوعی تهدید و تلاشی است در جهت اینکه طرف مقابل اقدام به عملی ننماید ولی در مورد بلوف نیز بایستی دقت کرد. همان‌طور که هنری کیسنجر می‌گوید: «حرکتی که به قصد بلوف انجام می‌گیرد ولی جدی تلقی می‌شود به عنوان عامل بازدارنده بسیار مؤثرتر از آن تهدید واقعی است که بلوف تلقی می‌شود».^(۱۶)

داشتن اعتبار، در بازدارندگی هسته‌ای، پیگیری سیاستها به وسیله‌ی سایر وسایل است. در معتبر بودن و مؤثر بودن عامل بازدارنده، سلاحهای هسته‌ای نه تنها جنگ را غیرقابل‌تصور می‌کنند بلکه غیرالزام می‌سازند و در همان حال می‌توان بر محاسبات و اراده سیاسی اثر گذارد. اسرائیل به طور موفقیت آمیزی، حتی آمریکا را به عنوان مهم‌ترین حامی و متحدش وادار کرده است. این کشور در اوائل مرحله جنگ اکتبر ۱۹۷۳ تهدید به، بکارگیری سلاح هسته‌ای کرد تا آمریکا را مجبور کند تا حجم عظیمی از سلاحهای متعارف را برای اسرائیل مهیا کند. همچنین در جنگ خلیج فارس، این کشور، عراق را تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای نمود تا آمریکا مجبور شود که در تعقیب روند جنگ، اهداف نظامی اسرائیل علیه عراق را در نظر بگیرد.^(۱۷)



ب: ارتباطات

بدین معنی که برای کارایی بازدارندگی، طرف بازدارنده باید با حریف در ارتباط باشد که به طور علنی یا مخفی از اطلاعات لازم برخوردار باشد و تصمیمات و عکس‌العمل‌های خود را به حریف منتقل کند.

اگر هدف اصلی استراتژی بازدارندگی جلوگیری از وقوع «مصیبت بار جنگ» است تشخیص تاحداً امکان صحیح و واقع‌بینانه‌ی منافع حیاتی خود و طرف مقابل مهم است با توجه به اینکه تشخیص منافع حیاتی خودی نسبتاً آسان است. کار دشوار تشخیص منافع حیاتی طرف مقابل و تفهیم منافع خود به طرف مقابل به مثابه‌ی منافع حیاتی می‌باشد. این امر مستلزم برقراری ارتباطات است ایجاد ارتباط در عصر هسته‌ای دارای پیچیدگی بیشتری است لیکن تبادل اطلاعات سری و مهم امری است لازم، پس داشتن ارتباط با رقیب از ارکان بازدارندگی است و به این منظور لازم است از مجاری و روشهای مختلف این ارتباط به عمل آید.^(۱۸)

لازم است که همراه هر وعده، شواهدی مبنی بر وجود تعهد به اجرای آن مخابره گردد. در واقع اگر نتوان تهدید را به طرف مقابل مخابره کرد گاه دیگر آن تهدید ارزشی ندارد. موفقیت بازدارندگی زمانی است که طرف مهاجم مطمئن شود که در صورت تجاوز، تنبیه می‌شود. اطمینان از این لحاظ به برقراری ارتباط بستگی دارد. در انتقال اطلاعات بایستی هر نوع سوءتفاهمی از بین برود حتی پارازیت‌هایی که مُخَلِّب ارتباط وافی و کافی هستند می‌تواند خطرناک باشد. اگر طرف مقابل (هزینه‌ها) cost را کم تصور کند حاضر است تا آخر بایستد. ساخت و محرمانه‌نوسازی کردن زرادخانه‌های تسلیحاتی، اثربخشی توان بازدارندگی را کاهش می‌دهد. بازدارندگی مستلزم آن است که تا حدودی طرف مقابل در جریان امر قرارگیرد ولی انتقال بیش از حد اطلاعات نیز اگر برنامه‌ریزی طرف مقابل را برای حمله تسهیل کند می‌تواند به تضعیف طرف

برکناری دولت و دوکودتای نظامی» را به خود دیده است، اما سابقه‌ی کشورشان در زمینه‌ی هسته‌ای، درخشان است.^(۱۴) اسلام‌آباد پس از حوادث یازده سپتامبر اقدامات اضافی امنیتی را اجرا کرد: مطبوعات خبر می‌دهند که چهل و هشت ساعت پس از حملات یازده سپتامبر، زرادخانه‌ی هسته‌ای به ۶ مکان مخفی انتقال یافت و ساختار فرماندهی به منظور کنار گذاشتن عوامل طرفدار طالبان تغییر یافت و نیروهای ویژه اطراف تأسیسات هسته‌ای استقرار یافتند.^(۱۵) اما متخصصان معتقدند که اقدامات و ترتیبات امنیتی پاکستان بسیار ضعیف‌تر از استانداردهای غربی است و شایسته است که ترقی یابد. در محافل کنترل تسلیحات و منع گسترش، مناظره‌ای همیشگی وجود داشته است که یک قدرت هسته‌ای در چارچوب حقوق بین‌المللی (به ویژه ماده‌ی اول معاهده منع گسترش و تکثیر هسته‌ای) و قوانین داخلی به چه میزان می‌تواند به یک قدرت غیر هسته‌ای کمک ارائه کند. پاکستانیها اغلب می‌گویند که تقاضاهای قبلی آنها از ایالات متحده به منظور کمک در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای در شده است. اما خود آنها از این بیم دارند که کمک ایالات متحده اطلاعات زیادی در مورد تواناییهای آنان آشکار کند، حتی اگر واشنگتن در نهایت کنترل زرادخانه‌ی آنان را به دست نگیرد.^(۱۶)

در نتیجه، پیشنهادات پراز اکراه ایالات متحده پس از یازده سپتامبر برای کمک به

پاکستان، با پذیرش پرازبی میلی پاکستان مواجه شده است (در این زمینه، حساسیتهای داخلی سیاسی مؤثر بوده اند).^(۱۷)

بیم از دزدی یا خرابکاری در مورد امنیت زردخانه‌های هسته‌ای در باشگاه رسمی پنج کشور هسته‌ای نیز ایجاد نگرانی کرده است. برخی مدعی‌اند که با توجه به انگیزه‌ها و ابزارهای گروههای تروریستی القاعده مانند، حتی امنیت فیزیکی مجتمعهای تسلیحات هسته‌ای ایالات متحده نیز در معرض خطر قرار دارند.^(۱۸) طرح ادعایی یک گروه تروریستی مظنون به ارتباط با القاعده مبنی برای هدف قرار دادن پایگاه هسته‌ای کلاین بروگل (Brogel Kleine) متعلق به ناتو که در بلژیک قرار دارد، بر بیم و ترس تحلیل‌گران صحنه گذارد.^(۱۹) مقامات روسی که مسؤلیت امنیت سلاحهای هسته‌ای را بر عهده دارند، ابراز می‌دارند که اقدامات حفاظتی اضافی پس از یازده سپتامبر به معرض اجرا گذاشته شده است؛ اقداماتی از جمله ایجاد واحدهای نظامی «واکنش سریع».^(۲۰)

بنابراین دلایل مناسبی در اختیار است تا بر تلاشها و اقدامات کنترل هسته‌ای در جهت محافظت از خود سلاحها تمرکز و توجهی دوباره صورت گیرد. در عین حال بی‌توجهی به ضروریات برچیدن و حذف سلاحهای نیز می‌تواند خطرناک باشد چرا که ذخیره کردن درازمدت، خطرات بیشتری در مورد سرقت یا دستیابی به سلاحها به همراه دارد. به همین دلیل، سیاستهای هسته‌ای ایالات متحده و

بازدارنده منجر گردد گاه ممکن است اطلاعات مخابره شده‌ی بیش از حد، باعث شود که کشور باز داشته شده در عملی شدن تهدید تردید کند و آن را بلوف به حساب آورد.

ج: توانایی و قابلیت "Capability"

برخورداری از توانایی در وارد کردن تلفات بحریرف در صورت مخالفت، از ارکان مهم بازدارندگی است بازدارنده بایستی توانایی داشته باشد که منافع احتمالی متجاوز بالقوه را ارزیابی کرده و سپس برای تهدید او به وارد کردن ضربه‌ای که تلفات بیش از منافع مترقبه بر او وارد خواهد کرد توانا باشد.

توانایی وارد آوردن ضرر به دشمن برابر یا بیش از میزان قابل تحمل خسارت بردشمن الزامی است. کشور بازدارنده همواره باید در رقابت تسلیحاتی حضور فعال داشته باشد و به‌طور روزافزون در پی کسب پیشرفته‌ترین تکنولوژی نظامی و برتری تسلیحاتی نسبت به رقیب باشد.^(۱۹)

اهداف بازدارندگی هسته‌ای

درخصوص اینکه چرا کشورها به دنبال اتمی شدن هستند باید گفت که این روند مخصوصاً در دوران جنگ سرد عمدتاً بین دو قطب مصداق داشت ولی از پس از جنگ سرد، کشورهای دیگری نیز در این مسیر افتادند این امر را می‌توان از دو منظر کلی مورد ملاحظه قرار داد:

۱- دیدگاه جامعه‌شناختی ۲- دیدگاه امنیتی

دیدگاه اول: که نهادگرایان جدید عنوان می‌کنند. از این دیدگاه، کشورها تمایل به گذار از وضعیت فعلی (نداشتن سلاح هسته‌ای) به وضعیت داشتن این سلاحها با الهام از سایر کشورها می‌باشند که به آن هم‌ریختی نهادی گویند؛ در این منظر نوعی تقلید نهفته است.

دیدگاه دوم: دیدگاهی امنیتی است که بر طبق ذهنیت



نئورئالیستها و رئالیستهاست و بر طبق آن، قدرت، شکوه و امنیت یک کشور بستگی به دسترسی به این سلاحها دارد. (یکی از طریق ساخت و توسعه ی سلاحهای هسته‌ای برای برقراری موازنه قدرت و دیگری اتحاد نظامی با قدرت هسته‌ای برای کسب ضمانتهای هسته‌ای، این مدل یک مدل جهانی است.^(۲۰)) تسلیحات اتمی و تهدید به، بکارگیری آن به عنوان ابزاری برای رسیدن به عمدتاً اهداف سیاسی در نظر گرفته می‌شود. به طوری که مثلاً تهدید به استقرار سیستمهای جدید تسلیحاتی در مناطقی خاص و نیز به هنگام منازعه در درگیریهای مسلحانه منطقه‌ای در جهان سوم فی الجمله برای اهداف سیاسی بوده است. دولت‌هایی که به دنبال جنگ‌افزارهای اتمی هستند به دنبال بقاء، بازدارندگی، پرستیژ، قدرت طلبی، برتری طلبی و... می‌باشند.

به طور خلاصه، در دوره‌های مختلف صلح و جنگ، کشورها اهداف خاصی را از طریق تهدید هسته‌ای دنبال می‌کنند که مختصراً عبارت‌اند از:

- ۱- وارد کردن طرف مقابل به پایان دادن به جنگ؛
- ۲- ناگزیرسازی طرف مقابل به عقب‌نشینی از قلمرویی خاص؛
- ۳- وادار ساختن رقیب به توجه به منافع جدی واردکننده تهدید در زمینه‌ای خاص؛
- ۴- کاربرد تهدید اتمی برای نمایش و کسب حیثیت بین‌المللی (نمونه هند)؛
- ۵- استفاده از تهدید هسته‌ای برای چانه‌زنی.^(۲۱)

۷- امنیت مواد هسته‌ای

معاهده‌ی مسکو به این جهت که در مورد مبارزه با خطر تروریسم هسته‌ای کار اندکی انجام داده‌اند، مورد انتقاد قرار گرفته‌اند.^(۲۱)

علاوه بر این، معاهده‌ی مسکو فرصت لحاظ کردن سلاحهای غیر استراتژیک را در رهنمودهای اشاره شده در قرار داد ۱۹۹۷ هلسنیک، را از دست داد. یعنی این گونه استدلال می‌کنند که شفافیت بیشتر در مورد ذخایر هسته‌ای ممکن است از نظر امنیتی زیان بار باشد. با این همه، سود مشخص ساختن مکان یک انبار هسته‌ای برای یک گروه تروریستی چه می‌تواند باشد؟ در همین رابطه، خارج ساختن یک دسته‌ی کامل از سلاحها از کنترل کلی تسلیحات و مورد تهدید قرار دادن اقدامات کاهشی با ضرورت بزرگتر جلوگیری از دستیابی یک گروه تروریستی به سلاحهای هسته‌ای، در تضاد است. علاوه بر این، اتفاقاتی مانند خطر کلاین بروکل - اگر تأیید شود - این مسئله را دامن خواهد زد که از کنترل سلاحهای غیر استراتژیک مدت زمانی طولانی است که غفلت شده است.

نظراتی در خصوص تأیید و کارایی تئوری بازدارندگی

در اثبات و کارایی تئوری بازدارندگی نظرات مختلفی از طرف اندیشمندان عالم علم سیاست عنوان شده که به چند مورد آن اشاره می‌کنیم.

ریچارد بتس، موضع استراتژیستهای هسته‌ای

جهانی است (حدود سه هزار تن اورانیوم غنی شده و پلوتونیم در جهان امروز وجود دارد)، متخصصان بر این نکته توافق دارند که مراقبت از سوخت راکتورهای تحقیقاتی در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد چرا که در مورد این راکتورها اقدامات امنیتی به مانند دیگر انواع راکتورها صورت نمی‌گیرد. در حال حاضر ۲۰ تن اورانیوم غنی شده، مورد استفاده در مقاصد صلح‌آمیز در جهان وجود دارد (در سال ۲۰۰۱) - این مقدار اگر چه در مقایسه با ذخایر نظامی بسیار اندک است اما گستردگی و آسیب‌پذیری بیشتری دارد. شرایط اضطراری حوادث یازده سپتامبر، اقدامات اضطراری از قبیل خارج ساختن سوخت مصرف شده در راکتور تحقیقاتی ونسا (Vinca) در بلگراد را ممکن ساخته است؛ اقدامی که می‌توان آن را مدلی از همکاری بین دولتهای ایالات متحده و روسیه و همچنین همکاری بین دولتها و بخش خصوصی دانست (نان - ترنر: (the Nunn-Turner) یا ابتکار تهدید هسته‌ای). طبق نظر آبراهام، وزیر انرژی ایالات متحده، ۱۷ مورد دیگر به مانند ونسا (Vinca) وجود دارد که باید به آنها توجه کرد. (۳۲) حوادث یازده سپتامبر اقدامات در سطح چندجانبه را نیز احیا کرده است. ابتکارهای جدیدی مانند ابتکار بسیار مورد استقبال قرار گرفته‌ی «همکاری جهانی برای کاهش تهدید» ایجاد شده‌اند؛ ابتکار مذکور در اجلاس سران گروه هشت در جولای ۲۰۰۲ در کاناناس کیس مطرح شد. (تنها در روسیه برآیندها حاکی از

«قدیمی» را تکرار نموده، مبنی بر اینکه بازدارندگی غیرهسته‌ای در عصر نوین بارها شکست خورده، حال آنکه، بازدارندگی هسته‌ای تاکنون شکستی به خود ندیده است. به نظری در یک جنگ غیرهسته‌ای، بهترین چیزی که مهاجمین می‌توانند پیش‌بینی کنند ناکام شدن طرح آنهاست. (۳۲)

لورنس فریدمن علت پیدایش تفکر بازدارندگی را در نبود نیروی کنترل‌کننده‌ی بین‌المللی می‌داند و بر این عقیده است که دولتها برای اجتناب از بمباران هسته‌ای ناچارند به سلاحهای خود تکیه کنند و هر چه که این سلاحها پیشرفته‌تر باشد تهدیدی که از خارج بر دولتها وارد می‌شود به مقدار بیشتری خنثی می‌گردد. (۳۳)

بررسی کارایی تئوری بازدارندگی هسته‌ای در عمل در شرایط کنونی

بحث عمده در خصوص تئوری بازدارندگی آن است که چنانچه این تئوری از زمان دستیابی دو قدرت جهانی یعنی آمریکا و شوروی سابق به بمب اتم اجرا نمی‌شد جنگ هسته‌ای بین آنها محتمل می‌نمود. به باور بسیاری از پژوهشگران، بازدارندگی هسته‌ای علت اصلی صلح و ثبات بین‌المللی بوده و کشورها کوشیده‌اند از طریق دستیابی به توان نظامی دلخواه، یا حتی برتری استراتژیک، ابتدا بقاء و منافع ملی و سپس ثبات جهانی را حفظ کنند. لذا کشورها جهت تأمین این اهداف سعی کرده‌اند توانایی خود در زمینه‌ی سلاح هسته‌ای را افزایش دهند آنها که این سلاح را دارند آن را مجهزتر و آنها که ندارند به طرف اتمی شدن روی آورده‌اند. به همین جهت در این پژوهش برآنیم تا برای اثبات فرضیه‌ی اصلی آن مبنی بر کارا بودن تئوری در فضای پس از جنگ سرد آن را در دو بخش عملی بررسی کنیم:

۱- استراتژیهای دو قدرت زمان جنگ سرد یعنی آمریکا و روسیه‌ی فعلی؛

←

۲- کشورهای کوچک که عمدتاً در مناطق حساس و جهان سوم هستند همچون هند و پاکستان و اعراب و اسرائیل.

استراتژی ایالات متحده آمریکا

با تجزیه ابرقدرت شرق، آمریکا خود را به عنوان تنها قدرتی که از لحاظ نظامی و اقتصادی می تواند عرض اندام کند مطرح کرد این امر باعث شد تا استراتژیهای خود را نیز نسبت به دوران جنگ سرد تغییر دهد. به دنبال جهانی برآمده دیگر، ارزشها، ارزشهای آمریکایی است که نمود آن را در نظم نوین جهانی بوش پدر دیدیم به نظر می رسد تأکید آمریکا بر مسائلی چون هماهنگ سازی ناتو با خود و سیستم دفاع موشکی، مسائلی هستند که می توان آنها را در راستای ارتقاء استراتژی بازدارندگی آمریکا توجیه کرد.

در پس از جنگ سرد، برخی متغیرها بویژه نظامی و ژئوپولیتیک باعث شده که آمریکا همچنان روسیه را به عنوان بزرگ ترین رقیب خود و جایی که می تواند برای امنیت ملی آمریکا خطر ساز باشد، به دقت زیر نظر داشته باشد. با فروپاشی شوروی، هر چند تهدیدات ناشی از جنگ هسته ای کاهش یافته و دکترینهای استراتژیک آمریکا و سیاست مهار شوروی که از سوی جرج کنان طراحی شده بود به پایان رسیده ولی مسائل مربوط به سلاحهای هسته ای روسیه و خطرات ناشی از استفاده ی تصادفی و کنترل نشده از جنگ افزارهای هسته ای به مراتب افزایش یافته است. «آمریکا اطمینانی که در دوران اتحاد شوروی سابق برای کنترل سلاحهای هسته ای داشت از دست داده و از آن بیم دارد که این سلاحها به دست گروههای تروریستی و دولتهای سرکش (Rogue States بیفتد)»^(۲۴) این امر از آن جهت برای این کشور حیاتی است که روسیه ذخیره ی انبوهی از موارد شکاف ناپذیر را دارد که در محللهای مختلف و در شرایطی که لزوماً در حد استانداردهای غربی نیستند

←

وجود ۸۵۰ تا ۱۱۵۰ تن مواد شکافت پذیر مورد استفاده در مقاصد نظامی می باشد.) آژانس بین المللی انرژی اتمی به سختی در تلاش است تا پروتکل الحاقی را به اجرا در آورد و به بررسی کافی بودن کنوانسیون محافظت فیزیکی از مواد هسته ای در برابر خطرات تروریستی جدید می پردازد. یک کنوانسیون در مورد تروریسم هسته ای در حال حاضر در سازمان ملل مورد بحث قرار گرفته است.

در میان مدت، دغدغه ها در مورد انباشت مواد هسته ای مناسب برای ساخت سلاح، ممکن است مذاکرات نافرجام معاهده ی منع ساخت مواد شکافت پذیر رازنده گرداند. با این حال، شکستن این بن بست در کنفرانس خلع سلاح به یک پیش شرط نیاز دارد: توجه به نگرانی چین (و تا حد کمتری روسیه) در مورد سیاستهای ایالات متحده در مورد ایجاد دفاع استراتژیک که می تواند استقرار سلاحهای تهاجمی در فضای ماورای جو را در برگیرد. از شواهد دال بر چنین نتیجه ای در اوایل سال ۲۰۰۳ هیچ خبری نبود.

۸- تأثیر برپویش گسترش و تکثیر هسته ای

بحران یازده سپتامبر، بر مسئله ی گسترش هسته ای اثرات گوناگونی داشت. این بحران به توقف برخی از برنامه های هسته ای منجر شده است اما به دلایلی متفاوت، برخی دیگر را مشروعیت بخشیده است. این بحران، خطرات بالقوه ی گسترش هسته ای را برجسته کرده و



بر این خطرات افزوده است.

جنگ علیه تروریسم تا حدی برای مسئله منع گسترش هسته‌ای خوش یمن بوده است. از آنجایی که یازده سپتامبر، ایده‌ی دستیابی رژیم‌های خودکامه و مخالف غرب به سلاح‌های هسته‌ای و تمایل آنان برای آسیب زدن به منابع غرب را هر چه بیشتر در نظر دولت بوش غیر قابل پذیرش ساخت، «جنگ علیه تروریسم» تا حدی به «جنگ علیه تکثیر و گسترش هسته‌ای» بدل شده است. رئیس جمهوری بوش در سخنرانی اتحادیه در ژانویه ۲۰۰۲، سه دولت عراق، کره شمالی و ایران را «محور شرارت» خطاب کرد. یازده سپتامبر به ویژه سبب شد تا ایالات متحده در اینکه خود را برای همیشه از شر سلاح‌های هسته‌ای عراق راحت سازد مصمم تر شود. اقدام علیه عراق می‌تواند هشدار برای دیگر دولت‌ها باشد.^(۲۳) استراتژی جدید ایالات متحده در برخورد با سلاح‌های کشتار جمعی، اقدامات ضد گسترش را به «سلاح انتخابی» ایالات متحده تبدیل ساخته است. همچنین، تأسیس رژیم‌های «دوست» در افغانستان و عراق، فشار بر دولت ایران را در مسیر هسته‌ای شدن کاهش می‌دهد. با این حال چه بخواهیم، چه نخواهیم نتیجه‌ی تناقض آمیز جنگ علیه تروریسم آن است که به طور غیرمستقیم از گسترش هسته‌ای حمایت می‌کند. این امر به سه طریق می‌تواند روی دهد.

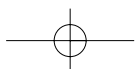
اول، سیاست‌های ایالات متحده می‌تواند به غیر مشروع سازی هنجارهای منع گسترش و تکثیر

انبارشده است.^(۲۵) از طرفی موضوع دانشمندان هسته‌ای روسیه مطرح است که به آنها دستمزدهایی در حد معاش داده می‌شود که البته باید به بیکاری آنها نیز توجه کرد در نتیجه می‌تواند هم باعث مهاجرت آنها شود و هم اینکه آنها اطلاعات خود را در اختیار سایر کشورها که مخالف آمریکا هستند بگذارد^(۲۶) لس آسپین وزیر دفاع وقت آمریکا در تشریح خطرات تهدیدکننده‌ی منافع آمریکا وجود سلاح‌های هسته‌ای را در منطقه اتحاد شوروی سابق و تلاش برخی از کشورها به دسترسی به این گونه سلاح‌ها را بسیار جدی و حائز اهمیت می‌داند.

از طرف دیگر، استراتژی بازدارنده‌ی آمریکا پس از جنگ سرد بر روی باز داشتن و منصرف کردن قدرتهای منطقه‌ای از حمله به آمریکا متمرکز شده، این استراتژی بایستی انگیزه‌های چنین کشورهایی را بشناسد در گزارش اخیر راند، تحت عنوان استراتژی بازدارنده‌ی منطقه‌ای آمریکا، «کنف واتمن» و «دین ویکنیگ» دورنمای استراتژی بازدارندگی دوره‌ی پس از جنگ سرد را مورد بررسی قرار دادند در بخشی از این بررسی تحت عنوان قابلیت‌ها و توانایی‌هایی که برای تقویت بازدارندگی نیاز است کدامهاست؟ این دو نویسنده عنوان می‌کنند که وقتی حریفان و مخالفان منطقه‌ای به زور متوسل شدند عمدتاً به دنبال جنگ‌های کوتاه مدت و کم هزینه می‌روند بنابراین مؤثرترین اقدام نیروی نظامی آن است که از پیروزی مسلم، قطعی و تسریع آنها جلوگیری کنند.

با توجه به موارد فوق چه از ناحیه‌ی ابرقدرت پیشین یعنی روسیه و چه قدرتهای منطقه‌ای یا کشورهای به اصطلاح «یاغی» به نظر آمریکاییها، خطر در کمین امنیت آمریکاست لذا است که آمریکا دست به اقداماتی در این خصوص زده است که این اقدامات را می‌توان به صورت استراتژی بازدارندگی جدید آمریکا به صورت «دکترین عملیات مشترک» یا «سیستم دفاع

←



موشکی آمریکا» مشاهده کرد
 آمریکا به منظور مقابله با تهدیدات میکروبی و شیمیایی از سوی بازیگران دولتی و غیردولتی بیش از گذشته متکی به سلاح و نیروهای هسته‌ای شده که بدین منظور این دکترین را تدوین نموده است. براساس این دکترین، نقش بازدارندگی متوجه کشورهای جنوب می‌گردد به طوری که تعریف مشروح‌تری از بازدارندگی و نقش آن در تبیین منافع امنیتی آمریکا در این دکترین در دسامبر ۱۹۹۵، منظور گردید. این امر بیانگر آن است که آمریکا تهدیدات توسط دولتها و کشورهای یاغی همچون عراق (قبل از اشغال) و کره شمالی که دارای پتانسیل هسته‌ای و کاربرد سلاحهای میکروبی و شیمیایی هستند را علیه امنیت ملی و امنیت منافع خود در حدیک چالش اساسی می‌بیند که باید با توسل به بازدارندگی هسته‌ای آن را مهار کرد. در بخشی از دکترین مزبور آمده، ایجاد بازدارندگی در قبال کاربرد سلاحهای کشتار جمعی توسط دشمن، اعم از هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی مستلزم آن است که رهبری دشمن متقاعد شود که آمریکا توانایی واراده‌ی پاسخ سریع را دارد.^(۲۷) همچنین آمریکا قصد دارد در چارچوب دفاع موشکی بازدارندگی را در قالب نوعی دفاع استراتژیک تبیین کند. البته ادعا می‌شود این طرح جهت مقابله با تهدید کشورهای سرکش ترسیم شده ولی می‌تواند در راستای ایجاد یک توازن نظامی جهت برقراری نفوذ آمریکا نیز مورد ملاحظه قرار گیرد. این طرح به این معناست که آمریکا در موقعیت تکنولوژیکی بالقوه قرار گیرد که بتواند موشکهای بالستیک مهاجم به خاک آمریکا را در فضا متلاشی کند و نوعی سپر موشکی ایجاد کند. اروپاییان این طرح را پسر جنگ ستارگان نامیدند زیرا تا حد زیادی از نظر فن‌آوری و تأثیر راهبردی به طرح دفاع استراتژیک ریگان شباهت دارد.^(۲۸)

منظقهایی که جهت این سیستم موشکی از طرف

←

هسته‌ای کمک کند:

○ نیاز ایالات متحده به حمایت پاکستان در اقدام علیه افغانستان سبب شد تا واشنگتن بیشتر تحریمهای اعمال شده از زمان آزمایش سلاحها در سال ۱۹۹۸ را لغو کند. از آنجایی که هند روابط دوستانه با ایالات متحده داشت، چنین مسئله‌ای در مورد هند نیز تکرار شد. اگر چه این کار در توازن دوباره‌ی اولویتهای استراتژیک ایالات متحده سرچشمه می‌گرفت اما به شناخت موقت - دو فاکتوی - دو قدرت هسته‌ای جنوب آسیا منجر شد. لغو تحریمها علیه پاکستان (و هند) درست یا نادرست، بر آمادگی آمریکا برای پذیرش گسترش هسته‌ای تا آنجا که منافع امنیتی او را به خطر نیندازد، صحنه گذارده است.

○ فقدان اقدام سریع در مورد برنامه‌های غنی‌سازی کره شمالی و خروج این کشور از NPT این باور را تقویت کرده است که ایالات متحده در مورد منع گسترش هسته‌ای از «سیاستهای دوگانه» استفاده می‌کند.

○ کمکهای جدی به کشورهای دارای توانایی هسته‌ای از جمله پاکستان در جهت محافظت از کلاهکها در راستای استدلال «ارائه‌ی سرنگهای تمیز به معتادان» و خطر تروریسم هسته‌ای به عنوان مسئله‌ای جدی، توجیه پذیر است. اما اگر این اقدامات از سوی دیگر کشورها نقض روح NPT محسوب گردد آنگاه به غیر مشروع سازی

آن کمک می کند.

○ تا حدی ممکن است چنین اتفاقی در مورد ایران روی دهد.^(۲۴) در نگاهی دیگر، می توان گفت که نام بردن از ایران در سخنرانی سالانه بوش در کنگره در ژانویه ۲۰۰۲ بیشتر به جهت نگرانی از کمکهای ایران به گروههای ضداسرائیلی بود تا ناشی از برنامه های هسته ای این کشور باشد. به واقع، در استراتژی امنیت ملی ایالات متحده که چند ماه، بعد انتشار یافت، ایران در کنار عراق و کره شمالی قرار نگرفت.^(۲۵) برخی از مقامات ایالات متحده گفته اند که آنها می توانند همان گونه که با بمبی پاکستانی «زندگی می کنند»، «زندگی» با وجود بمبی ایرانی را نیز تحمل کنند؛ که البته این سخنان نیاز به کمک ایران در جنگ علیه ترور (به ویژه عدم دخالت در بحران عراق) دارد و NPT را در مرتبه دوم قرار می دهد.

○ با مجازات عراق به جهت نقض آشکار تعهدات منع گسترش هسته ای، کشورهای دیگر با انگیزه های قوی در مورد برنامه های هسته ای ممکن است (با حمایت گسترده ای ملی) ترجیح دهند از NPT خارج شوند و فریکارانه به فعالیتهای خود ادامه بدهند. این مسئله ممکن است دیگر دولتها را به پیروی کردن از این مسئله تشویق کند و کل رژیم منع گسترش را تهدید کند. ○ در نهایت، مباحث اخیر در مورد عاری

۶۶

آمریکاییها عنوان می شود، حفاظت از آمریکا در برابر پرتاب تصادفی موشک از روسیه یا هر جای دیگر، برای بازداشتن کشورهای مهاجم منطقه ای و دفاع از هم پیمانان این کشور می باشد.^(۲۹) جورج بوش استقرار این سیستم را بهترین راه برای حفظ امنیت هسته ای آمریکا می داند گرچه بوش از ایده ای سیستم دفاع موشکی گسترده تری از آنچه کلینتون در نظر داشت استقبال می کند لیکن آنچه باید فرض کرد آن است که هر چه سیستم دفاع موشکی آمریکا گسترده تر شود، روسیه برای کاهش ذخایر هسته ای خود تمایل کمتری خواهد داشت.

این فرض غلط است که با افزایش تعداد کشورهایی که به موشکهای بالستیک قاره پیمای هسته ای مجهز می شوند منطق بازدارندگی عمل نمی کند بر اساس منطق بازدارندگی، اطمینان طرف مهاجم از انتقام هسته ای طرف مقابل باعث می شود که اقدام به حمله هسته ای شود و همین منطق در معاهده ABM پایه قرار گرفت که دو طرف به جز پایتختها و یا یک پایگاه موشکی، جای دیگری را به سیستم ضد موشکی مجهز نمایند. ولی استدلال مقامات آمریکایی آن است که اصل بازدارندگی با فرض عقلانیت سیاستمداران در حفظ جان مردم کشورشان است و به نظر کوهن دولتهای سرکش نسبت به سعادت ملت های خود بی تفاوتند لذا توانایی حمله ای متقابل موشکی نمی تواند بازدارنده باشد این فرض مورد انتقاد شدید قرار گرفته و گفته می شود که در هر صورت هیچ دولتی با اطمینان از نابودی قطعی خود در یک حمله ای تلافی جویانه مبادرت به «حمله نخست» نخواهد کرد.^(۳۰)

استراتژی روسیه

در پی جنگ سرد، روسیه علی رغم اینکه با مشکلات زیاد اقتصادی - سیاسی روبرو بوده ولی پس از یک دهه که از فروپاشی شوروی می گذرد همچنان در تلاش

←

برای کسب جایگاه گذشته خویش می باشد بی شک موضوعی که این کشور در سطح نظام بین الملل با آن مواجه بوده چگونگی تعامل با ابرقدرت برجای مانده از جنگ سرد می باشد، مسئله مذاکرات موشکهای بالستیک و دفاع موشکی آمریکا از جمله مسائلی بوده که روابط دو کشور را پس از جنگ سرد شکل داده است. این کشور توان نظامی و جمعیتی بالایی دارد و می تواند یک قطب در معادلات نظامی و استراتژیک مطرح باشد.

توهم ابرقدرتی منشاء تفکر سیاسی رهبران فعلی آن است، وزیر خارجه روسیه زمانی عنوان می کند که روسیه یک ابرقدرت است حتی با کمکهای صندوق بین المللی پول.

گرچه اغلب نخبگان روسیه درک می کنند که بهبود اقتصادی پیش زمینه اصلی جهت کسب مجدد جایگاه سابق است ولی برخی بر قدرت نظامی تأکید دارند^(۳۱) از جمله، این نخبگان سیاسی بر این باورند که سلاحهای استراتژیک هسته ای تنها نهاد باقی مانده از شوروی سابق است که به عنوان یک قدرت بزرگ برای روسیه مطرح می شود.^(۳۲)

در بررسی استراتژی روسیه نکته ای که قابل توجه آن است که نوعی پیوند بین مفاهیم استراتژی شوروی سابق و روسیه فعلی وجود دارد. استراتژی نظامی شوروی براساس دکترین نظامی بود دکترین نظامی، فی الواقع، یک چارچوب تحلیلی و منطقی برای فرمول بندی دیدگاههای این کشور درباره ی جنگ و آماده سازی برای جنگ و هدایت و پیشگیری از جنگ است.

براساس همین دکترین است که روسیه کاربرد نیروی اتمی را برای خود منتفی نمی داند در واقع این دکترین به روشنی در خصوص پیشامدهای احتمالی اروپا و آسیا به کاربرد سلاح هسته ای فکر می کند بویژه که پوتین در واکنش به طرح دفاع موشکی آمریکا اظهار

کردن آسیای مرکزی از سلاحهای هسته ای، تردید روسیه را در مورد این مسئله تحکیم بخشیده است و این تردید با جنگ علیه تروریسم و حضور فزاینده ی آمریکا در منطقه برجسته تر شده است.

دوم، سیاستها و اقدامات ایالات متحده، «ارائه» فناوری هسته ای را افزایش می دهد:

○ اگر ایالات متحده خواهان کمک جدی تری از سوی مسکو و پکن در جنگ علیه ترور باشد، ممکن است در آینده در قبال روسیه و چین که به دلایل تجاری، محصولات و فناوریهای مورد استفاده در برنامه های هسته ای را می فروشند، سیاستهای خشن تر و سخت تر خود را کنار بگذارد.

○ همچنین، لغو تحریمها علیه پاکستان و هند می تواند از سوی صادر کنندگان فناوریهای هسته ای به عنوان «چراغ سبز» تعبیر شود.^(۲۶)

○ به دنبال احیای ناگهانی اتحاد ایالات متحده - پاکستان در سپتامبر ۲۰۰۱، حامیان طالبان در ارتش و سیستم اطلاعاتی پاکستان ممکن است ترغیب شده باشند تا عمداً تخصص هسته ای را به القاعده یا دیگر کشورهای دشمن ایالات متحده (کره شمالی یا لیبی)^(۲۷) منتقل کنند. در ۲۳ اکتبر ۲۰۰۱، مقامات پاکستانی دو دانشمند سابق مسائل هسته ای را دستگیر کردند که به داشتن ارتباط با القاعده اعتراف کرده بودند.^(۲۸)

○ بی‌ثباتی فزاینده‌ی پاکستان به عنوان یک دولت، بیم فروپاشی ناگهانی و تبعات نامیمون آن را افزایش داده است؛ تبعاتی از قبیل انتقال تسلیحات اسلام‌آباد به خارج (شاید به عربستان سعودی) یا جنگ برای در اختیار گرفتن کلاهکهای پاکستان.^(۲۹)

سوم و مهم‌تر از همه، سیاستهای ایالات متحده ممکن است «تقاضا» را افزایش دهد که انگیزه‌های هسته‌ای شدن را بیشتر می‌نماید:

○ تحقیق قانونی در مورد تشخیص اشخاص مسئول حوادث یازده سپتامبر و همچنین تقویت همکاریهای بین‌المللی علیه تأمین مالی تروریسم، ابهامهای حمایتی غرب و ایالات متحده از عربستان سعودی را آشکار ساخته است. تغییر در کارتهای ژئوپلیتیکی در خاورمیانه که شامل حذف پادشاهی سعودی می‌شود، تمایل طبقه‌ی حاکم سعودی به سلاحهای هسته‌ای را افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی، روابط نزدیک و محکم عربستان سعودی و پاکستان ممکن است به مفهوم «بمب اسلامی» موقتی - دو فاکتو - کمک کند.

○ یک فرضیه در مورد آینده این است که القاعده تحت حاکمیت اسمی یک «دولت در حال فروپاشی» (یمن؟ عربستان سعودی؟) کنترل دو فاکتوی ارضی را به دست آورد و با استفاده از سلاح هسته‌ای آن را ایمن کند. شایان ذکر است که این فرضیه‌ی هولناک می‌تواند تا حدی از طریق ابزار

داشته که روسیه حق هرگونه اقدام تلافی‌جویانه را برای خود حفظ می‌کند.^(۳۳) در حقیقت، می‌توان نتیجه گرفت که روسیه، کاربرد سلاح هسته‌ای و تهدید کاربرد آن را به عنوان یک آلترناتیو بازدارنده همچنان برای خود حفظ کرده است.

وجود بازدارندگی هسته‌ای در کشورهای جهان سوم

کشورهای جهان سومی خصوصاً در مناطق حساسیت‌خیز، چندی است که کسب توان اتمی را برای حفظ بقا و موجودیت خود وجه همت خود قرار داده‌اند. این کشورها به علت یک‌سری اختلافات ایدئولوژیکی و سیاسی - مرزی که با هم دارند و نیز از طرفی از لحاظ بُعد مسافت، فاصله نسبتاً کمی بین آنهاست خود را در مقابل تهدیدات سایرین آسیب‌پذیر می‌بینند لذا مصرانه در تلاشند تا به سلاح هسته‌ای دست یافته و از این راه، در برابر رقبای خود نوعی بازدارندگی هسته‌ای را ایجاد کنند. آنها توسل به سلاح اتمی را جهت پیروزی بر حریف در شرایطی قابل توجه می‌بینند. چرا که سلاحهای سنتی را برای تأمین امنیت و بقای خود کافی نمی‌دانند در این اثنا برخی مناطق به لحاظ وضعیت ژئوپلیتیکی و دارا بودن منابع زیرزمینی غنی به لحاظ آنکه قدرتهای بزرگ در آنها منافع دارند از ویژگی منحصر به فردی برخوردار است از جمله این مناطق، می‌توان به خاورمیانه و جنوب آسیا اشاره کرد. تلاش کشورهای این مناطق برای کسب توانایی هسته‌ای قابل تأمل است.

الف- اسرائیل - اعراب

با توجه به نزاع نیم قرن گذشته‌ی اسرائیل با اعراب، این کشور، برای حفظ بقا و ایجاد توازن قدرت در برابر آنها، سعی کرده هسته‌ای خود را بالا برد. اسرائیل قوام بازدارندگی‌ای را مبتنی بر برتری مطلق

←

در منطقه می‌داند و اگرچه با استفاده از سلاح سنتی تا حدی این هدف را تأمین کرده ولی برای ضعیف نگه داشتن رقبا، روش مطمئنی به نظر نمی‌رسد. مخصوصاً که براساس آنچه بعد از شکست عراق در جنگ خلیج فارس مشخص شد که این کشور تلاش وسیعی برای تولید و به‌کارگیری سلاحهای اتمی و هیدروژنی و موشکهای دوربرد به عمل آورده است. با توجه به این واقعیات، سلاح اتمی، می‌تواند بهترین عامل بازدارنده برای اسرائیل محسوب شود.

اسرائیل سعی کرده از سیاست «بازدارندگی ابهام» بهره برد چرا که مزایای زیادی بر آن مترتب است این کشور با تبعیت از این سیاست می‌تواند با هر گونه طرحی که اعراب بخواهند ضمن آن به سلاح هسته‌ای دست یابند مخالفت نماید. از طرفی اعراب هیچ‌گونه توجیهی برای دستیابی به این سلاح به دست نخواهند آورد. اقدام این کشور در بمباران راکتورهای اتمی عراق در چارچوب این استراتژی بوده است.^(۳۴) از سوی دیگر اعراب نیز به تلاش در جهت توازن هسته‌ای در برابر اسرائیل اقدام کرده‌اند با توجه به عدم رسیدن به توافق صلح پایدار، چنین رویارویی امکان‌پذیر است عراق تا پیش از بحران کویت، موفقیت‌هایی در عرصه‌ی سلاحهای اتمی و بالستیک کسب کرد، و عربستان نیز از کشورهای است که زرادخانه‌های موشکی مهمی داراست. این کشور خود را به موشکهای بالستیک سی اس-اس مجهز ساخته است.^(۳۵)

مصر نیز توسعه‌ی موفقیت‌آمیز استراتژی بازدارندگی هسته‌ای خود را در راستای کاهش خطر جنگهای آتی بین مصر و اسرائیل به دو دلیل رد نمی‌کند. ۱- به این دلیل که این استراتژی ارتباط بین جنگ و سیاست را جدا می‌کند و لذا مطمئن می‌سازد که تفاوت‌های ایدئولوژیکی و سیاسی نمی‌تواند باعث مواجهه‌ی نظامی شود.

آشنای بازدارندگی مورد بررسی قرار گیرد؛ نوعی بازدارندگی که از خطر تلافی از سوی اراضی دشمن ایجاد می‌شود.

○ حضور نظامی ایالات متحده در عراق، آسیای مرکزی و افغانستان انگیزه‌ی تهران را برای استفاده از سلاح هسته‌ای برای تضمین دراز مدت حفاظت از اراضی خود را افزایش می‌دهد.

○ در نهایت، اقدامات انجام شده در جهت کاهش تهدید تروریسم و شتاب فزاینده‌ی عملیات نظامی ایالات متحده در کنار استراتژی و سیاست دفاعی ایالات متحده - تأکید بر «حملات پیش‌گیرانه» و افزایش چشمگیر بودجه‌ی دفاعی - این ایده را تقویت می‌کند که «تنها قدرتهای هسته‌ای می‌توانند امنیت شما را تضمین کنند». این تفکر از پایان جنگ سرد در کشورهای در حال توسعه و به‌ویژه از جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ به بعد (در برخی اعلامیه‌های هندوویی) بسیار شایع بوده است. استراتژی جدید امنیت ملی ایالات متحده و عزم واشنگتن در تقویت تلاشهای ضدگسترش، ممکن است کره شمالی را به برنامه‌های هسته‌ای خود ترغیب کرده باشد. در نگاه اول، ارتباط مستقیمی بین یازده سپتامبر و از سرگیری فعالیتهای هسته‌ای کره شمالی در اکتبر ۲۰۰۲ مشاهده نمی‌شود. اما رهبران پیونگ یانگ کوشیده‌اند تا با تکیه بر لفاظیهای جنگی ایالات متحده و برنامه‌های

هسته‌ای ضد آن کشور و به ویژه قرار گرفتن جمهوری خلق دموکراتیک در «محور شرارت»، به برنامه‌های هسته‌ای خود مشروعیت ببخشند. همچنین، ممکن است پیونگ یانگ با استفاده از تمرکز ایالات متحده بر عراق، در جهت جلوگیری از اقدام ایالات متحده استفاده کرده باشد.

به میزان کمتری، جنگ علیه تروریسم ممکن است خطرات «استفاده‌ی» هسته‌ای را به طور غیر مستقیم افزایش داده باشد. جنگ افغانستان ممکن است القاعده، متحدان و وابستگان را ترغیب کرده باشد تا جنگ را به کشمیر بکشانند؛ در حالی که هند برای اعمال اقدامات جدی علیه تروریسم انگیزه‌های قوی دارد. بدین ترتیب، رودر رویی نظامی یک ساله در جنوب آسیا، ممکن است نسبت به سه دهه‌ی گذشته، دو کشور را به جنگ نزدیک تر ساخته باشد که البته این جنگ خطرات استفاده از سلاح هسته‌ای را نیز به دنبال دارد.

۹- تأثیر بر سیاستهای بازدارندگی هسته‌ای غرب

یازده سپتامبر به عنوان بحرانی شبه هسته‌ای انرژی آزاد شده از برخورد سه هواپیما در یازده سپتامبر، تقریباً با انرژی آزاد شونده از استفاده‌ی یک بمب هسته‌ای تاکتیکی برابر بود و از آنجایی که این حملات غیر منتظره و با هماهنگی بسیار بالا صورت پذیرفت، ایالات متحده شرایط یک

۲- به لحاظ آنکه این استراتژی محدودیت‌های جدی ایجاد خواهد کرد همان‌گونه که این استراتژی از طرف اسرائیلیها با مهارت تمام در جنگهای ۱۹۵۶ و ۱۹۶۷ به کار برده شد. استراتژی بازدارندگی مصر می‌تواند از هر تلاش مخاطره‌آمیز از طرف اسرائیل برای کاربرد اجباری قدرت هسته‌ای جلوگیری کند. (۳۶)

ب- هند و پاکستان

هند و پاکستان نیز به لحاظ اختلافات ارضی و مرزی خصوصاً راجع به کشمیر، در نیم قرن گذشته چندین بار با هم درگیر شده‌اند. مسئله کشمیر، هنوز لاینحل مانده و عامل اصلی جنگهای فوق‌الذکر بوده و اکنون به عنوان بحران اتمی دو کشور تلقی می‌شود. این دو کشور به لحاظ توانایی تکنولوژیکی که در سالهای اخیر به دست آورده‌اند گامهای بلندی در راستای دستیابی به سلاح هسته‌ای برداشته‌اند زیرا احساس آنها بر این بوده که از این طریق در محاسبه‌ی سود و زیان، بهتر به منافع خود دست می‌یابند.

هند خود را در صحنه بین‌المللی ابرقدرتی می‌داند که خواهان سلطه بر کشورهای منطقه است و حاضر نیست در مسائل مورد اختلاف با همسایگان از موضع یکسان برخورد نماید. کسب حداقل بازدارندگی، این کشور را در مقابل چین و پاکستان قرار داده است. به همین جهت پاکستان مجبور شده جهت دفاع از تمامیت ارضی خود به دنبال کسب و گسترش سلاح اتمی برآید. وضعیت نامطمئن جنوب آسیا، بازی قدرت با حاصل جمع جبری صفر بین دو کشور و تداوم سیاست قدرت، در درون خود به وضوح مفاهیم بازدارندگی را بیان می‌کند.

لذاست که موازنه قدرت در منطقه به هم خورده و پاکستان نیز توان آن را یافته تا به مرحله‌ی بازدارندگی با هند برسد. این کشور دکترین دفاع جدیدی را اعلام کرده که شامل دفاع بازدارنده‌ی هسته‌ای می‌باشد.

←

رهبریت پاکستان و نخبگان آن سیاست بازدارندگی را پیشه خود قرار داده‌اند^(۳۷) این رهبران قدرت هسته‌ای پاکستان را به مثابه‌ی عامل موازنه بخش می‌نگرند. پاکستان برای بازداشتن هند، از حمله‌ی هسته‌ای به این کشور به لحاظ نظامی از نظریه‌ی «بازدارندگی حداقل قابل اطمینان (Minimum credible Deterrence)» پیروی می‌کند در این نظریه، فرض بر آن است که وجود حداقلی از قدرت هسته‌ای مطمئن به اضافه‌ی جنگ با شدت کم و محدود می‌تواند موازنه قوای مورد نظر را برقرار نماید و رهبران هند را از هر گونه تجاوز منصرف نماید.^(۳۸)

با استفاده از مدل امنیتی تئوری تصمیم‌گیری آلیسون، می‌توان نتیجه گرفت که نگرش این دو کشور، نگرش واقع‌گرایانه مبتنی بر وجود هرج و مرج در نظام بین‌الملل است و اینکه دولت‌ها همواره به دنبال حداکثر رساندن امنیت و قدرت خود می‌باشند در چنین شرایطی قاعده‌ی اصلی بازی که واقع‌گرایان به آن معتقدند این است که هر دولتی در حدود امنیت ملی خود در مقابل دولت‌های رقیب دارنده‌ی سلاح اتمی، بایستی مبنای سیاست خارجی خود را بر ایجاد بازدارندگی هسته‌ای قرار دهد.^(۳۹)

دو کشور هند و پاکستان به واقعیت اساسی «همزیستی هسته‌ای» تن داده و تکیه بر بازدارندگی هسته‌ای اکنون محور حفظ امنیت میان دو کشور است. حال که احتمال خطر افزایش یافته، میزان احتیاط بیشتر شده به طوری که وجود موشک‌های اتمی در هر دو کشور به مفهوم آن است که در صورت درگیری اتمی میان آنها، هیچ یک مصون نخواهند ماند.^(۴۰)

فرجام

تئوری بازدارندگی، آخرین آلترناتیوی است که در منع تجاوز دیگر کشورها به کار رفته و می‌رود و در مواردی شکست آن باعث بی‌اعتباری آن نمی‌شود زیرا علل

حمله‌ی هسته‌ای ناگهانی را تجربه کرد. جایی بین ۰۹۲۵ و ۰۹۴۵ زمان شرقی، وزیر راه ترابری کنترل امنیتی ترافیک هوایی و انتقال کمک‌ها (SCATANA) را فعال ساخت، در این طرح در زمان حمله‌ی هسته‌ای، هیچ هواپیمایی به پرواز در نمی‌آید. در ۰۹۵۰، پنتاگون دستور پرواز فرماندهی هوایی ملی ویژه‌ی موارد فوق‌العاده را صادر کرد. در همین زمان برای اولین بار از سال ۱۹۷۳، نیروهای ایالات متحده در DEFCON^۳ استقرار یافتند که این وضعیت تا ۱۴ سپتامبر ادامه یافت. در حدود ۱۴۵۰، ریاست جمهوری بوش پس از توقیف کوتاه در پایگاه هوایی بارکس وال (پست فرماندهی جایگزین STRATCOM) به ستاد فرماندهی STRATCOM در نبراسکا رسید، نزدیک‌ترین محل امن برای برگزاری ویدئوکنفرانس‌های مخفی بین رهبران. برنامه‌ی «تداوم دولت (COG)» نیز فعال شد: به دستور چنی معاون رئیس‌جمهور، رئیس سنا و سخنگوی مجلس به نقاط دیگری منتقل شدند (و پس از سیزده سپتامبر نیروی از لحاظ فیزیکی در جایی جدا از مکان رئیس‌جمهور قرار داشت).^(۴۰) همان شب، اولین نشست بررسی بحران در مرکز عملیات‌های فوق‌العاده ریاست جمهوری (PEOC) تشکیل یافت. از این رو، یازده سپتامبر می‌توانست از بسیاری جهات بحران شبه هسته‌ای دانسته شود: تمرینی ناگهانی و غیرمنتظره برای حمله هسته‌ای وسیع و غیرمنتظره. این بحران اهمیت برخی مسائل حفظ شده از زمان جنگ سرد و آمادگی پایین

ایالات متحده در مواجهه با چنین حوادثی را نشان داد: فعال سازی برنامه‌ی تداوم (Continuity of Government) در میان سردرگمی افراد صورت گرفت چرا که بسیاری از اقداماتی که در معرض انجام آن بودند، آگاهی نداشتند.^(۳۱) ماهها بعد در نتیجه‌ی خطر حمله‌ی هسته‌ای احتمالی به واشنگتن، برنامه‌ی تدام دولت (COG) همچنان ادامه داشت: یک «دولت سایه» متشکل از صد مقام ارشد دولتی در دو نقطه‌ی مخفی و ایمن در ساحل شرقی به اداره‌ی امور می‌پرداختند.^(۳۲)

۱۰- مناظره در مورد استفاده‌ی ایالات متحده از سلاحهای هسته‌ای

در طی پاییز سال ۲۰۰۱، پس از حوادث یازده سپتامبر و در خلال جنگ افغانستان، ملاحظات جدی در مورد استفاده‌ی ایالات متحده از سلاح هسته‌ای وجود نداشت و این فرضیه قدیمی و مقبول را مورد تأکید قرار می‌داد که بازدارندگی هسته‌ای در مورد بازیگران غیردولتی به کار نمی‌رود. با جستجو در صفحات چت و گفتگوهای اینترنتی می‌شد به این مسئله پی برد که بخشهایی از افکار عمومی آمریکا خواهان پاسخ هسته‌ای هستند. اما فراخوانهای آشکار و علنی استفاده از سلاحهای هسته‌ای از سوی استیو بایر (Steve Buyer) نماینده‌ی مجلس و یا تحلیل‌گر سابق دی. آی. ای. دی. آ. توماس وودرو در انزوا قرار گرفت.^(۳۳) مقامات ایالات متحده استفاده از سلاحهای هسته‌ای را غیر ممکن

شکست آن را می‌بایست تا حدی ناشی از عدم اجرای موفقیت‌آمیز آن دانست این در حالی است که از سلاحهای هسته‌ای تنها یک بار در جنگ استفاده شده ولی کشورهای دارنده‌ی سلاح اتمی، مکرراً به تهدید استفاده از آن به منظور بازدارندگی متوسل شده‌اند. باید توجه داشت که در نظریه‌های استراتژیک پدیدار شده پس از جنگ دوم جهانی بر این استراتژی در جنگ هسته‌ای تأکید فراوان شده است. تهدید به استفاده از سلاح هسته‌ای به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف سیاسی یا به تعبیری به ابزار دیپلماسی تبدیل شده است. امروزه روز شکست بازدارندگی به معنی نابودی یکی از طرفین نیست بلکه نابودی دو طرف و طرفهای دیگر را در پی دارد. علی‌رغم تمامی انتقاداتی که به این تئوری شده، این نظریه در طی پنجاه و اندی سال پس از جنگ جهانی توانسته تبیین‌کننده‌ی رفتار بازیگران اصلی نظام بین‌المللی دوقطبی منعطف گذشته و نظام سلسله‌مراتبی فعلی باشد و اینکه هیچ جنگ هسته‌ای رخ نداده خودبیینگر آن است که این تئوری خوب عمل کرده و حتی بحران موشکی کوبا و جنگهای محدود ویتنام و خاورمیانه مثل جنگ خلیج فارس و افغانستان موجب بی‌ثباتی و جنگ اتمی نشده است این در حالی است که داشتن فهم مشترک (common sense) بین قدرتهای اتمی باعث بالارفتن توان بازدارندگی می‌شود این درست مثل دو نفری است که در کوهستان هستند و از ترس اینکه بهمین بر سر آنها فرود آید بر سرهم داد نمی‌زنند. اگر بخواهیم به یک جمع‌بندی کلی برسیم بایستی بپذیریم که تا زمانی که رژیم امنیت دسته‌جمعی در جهان به وجود نیامده و ساختار نظام بین‌الملل دولت - محور است و تا زمانی که در عرصه سیاست جهانی توزیع قدرت بین تمامی واحدهای سیاسی نابرابر است و منطق نظام بین‌الملل هرج و مرج گونه است، عامل امنیت، اصول دفاع از خود و خودیاری است. لذاست که می‌توان پذیرفت اشاعه سلاحهای هسته‌ای

←

به مثابه‌ی عدم ثبات نظام بین‌الملل نیست چرا که به بازدارندگی هسته‌ای می‌انجامد، در نظام بین‌المللی که تکنولوژی هسته‌ای به نحوی غیرقابل کنترل وجود دارد و کسب این سلاحها برخلاف آنچه متولیان اولیه آن در نظر داشته‌اند گسترش یافته، باید نسبت به کارویژه مثبتی که راجع به بازدارندگی هسته‌ای در درون قدرتهای هسته‌ای ایجاد می‌کند معترف بود. می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت بازدارندگی تغییری به خود نخواهد دید. کشورهای دارای قدرت هسته‌ای به این نتیجه رسیده‌اند که هیچ‌کدام به آن سطح از برتری دست نخواهند یافت که برای اندیشه‌ی جنگ استراتژیک نوعی توجیه اخلاقی - سیاسی دست و پا کنند. لذاست که گرچه فضای حاکم بر نظام بین‌الملل تغییر و تحول بنیادی به خود دیده و جو جهان دوقطبی رخت بر بسته ولی بازدارندگی هسته‌ای از بین نرفته و هنوز کاربرد دارد چرا که تا انسان وجود دارد بازدارندگی در سطوح اجتماعی وجود داشته و تا سلاح هسته‌ای موجود است بازدارندگی هسته‌ای نیز در مناسبات جهانی حکمفرماست حتی به فرضی هم که سلاح هسته‌ای از بین برود تکنولوژی ساخت آن محو نمی‌شود.

پانویسها

- ۱- هلموت، اشمیت، استراتژی بزرگ، ترجمه: هرمز همایون پور، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی سال ۱۳۷۲، چاپ دوم، صفحه ۷۱.
- ۲- حسین سیف‌زاده، نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل، تهران، نشر قومس، سال ۱۳۷۴، ص ۱۱۳.
- ۳- ابو محمد عسکرخانی، سیری در نظریه‌های بازدارندگی، خلع سلاح و کنترل تسلیحات هسته‌ای، مجله سیاست دفاعی، شماره ۲۵، زمستان ۷۷، ص ۲۰.
- ۴- عبدالعلی قوام، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌المللی، تهران: نشر سمت، ص ۳۵۷.
- ۵- جیمز دوئرتی و فالتزگراف، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: نشر قومس،

←

ندانسته‌اند اما این مسئله در راستای اعمال سنتی سیاست خارجی قرار می‌گیرد. همچنین، هفته‌های متعاقب حوادث یازده سپتامبر، زمان مناسبی برای کاستن از اعتبار بازدارندگی هسته‌ای نبود.^(۳۴) در هر حال، دو نالد را مسفلد وزیر دفاع آشکارا اعلام کرد که «ما بررسی یا بحث در مورد این مسئله را کنار گذاشته‌ایم.»^(۳۵) آیا در صورتی که این حمله از سوی یک دولت مشخص صورت گرفته بود، در مورد پاسخ هسته‌ای به صورت جدی تأمل می‌شد؟ علی‌رغم هولناکی حمله، تعداد قربانیان پایین‌تر از مقداری بود که بسیاری از متخصصان آن را آستانه‌ی بالقوه‌ی استفاده از سلاح هسته‌ای بدانند: به عنوان مثال، در آغاز جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، مقامات و تحلیل‌گرانی که استفاده از سلاح هسته‌ای را مورد بررسی قرار می‌دادند، آن را در صورتی ممکن می‌دانستند که حملات عراق، تلفات را به دهها هزار نفر برساند. (بیشتر از هزاران نفر تلفات یازده سپتامبر.) و در آن روز، علی‌رغم اختلال در زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور، مؤسسات فدرال به کار خود ادامه دادند. رئیس جمهوری بوش اعلام کرد که «به پایه‌های ایالات متحده آسیب نرسیده» با این حال، چون به مراکز بسیار مهم کشور حمله شد، محتمل است که برخی در دولت از نوعی استفاده‌ی گزینشی از سلاحهای هسته‌ای حمایت کرده باشند تا هم از استفاده‌ی سلاح هسته‌ای از سوی دیگران پیشگیری شود و هم به احیای «بازدارندگی» پرداخته باشند.

البته به سبب بیم از تلافی هسته‌ای، این مسئله کاملاً محدود است. (سؤال جالب دیگر این است که: اگر شواهد محکم وجود داشت که القاعده سلاح هسته‌ای عملیاتی دارد، آنگاه مناظرات داخلی دولت ایالات متحده و افکار عمومی در این مورد چگونه بود؟) این بحث به ما کمک می‌کند تا بدانیم چرا یازده سپتامبر مناظره‌ی بازدارندگی هسته‌ای را فی‌نفسه تغییر نداده است. اما در عین حال جستجو برای یافتن «مفاهیم جدیدی» از بازدارندگی را ترغیب کرده است.

۱۱- مناظره در مورد استراتژی بازدارندگی
به تبع حوادث یازده سپتامبر، بررسی موقعیت هسته‌ای ایالات متحده صورت گرفت و به نظر می‌رسد که این حملات تغییری جدی در این باره ایجاد نکرده باشند (البته انتظار می‌رود بر «اقدامات احتیاطی در قبال پیش‌آمدهای غیر منتظره»^(۳۶) تأکید شود). با این حال، یازده سپتامبر نگاهی جدی به مسئله بازدارندگی ایجاد کرد: و به این بحث که باید از «پایه‌های دو قلو»^(۳۷) زمان جنگ سرد یعنی مهار و بازدارندگی سنتی فراتر رفت شتاب بخشید و رهیافتهای جدیدی را مطرح کرد که روسیه را در یک طرف و کشورهای با اصطلاح یاغی را در طرف دیگر قرار می‌دهد. سیاست‌گذاران غربی، دشمنان بالقوه‌ی جدید را با ذهنیتی انتحاری و پذیرش تلفات بالا (شامل استفاده از سپر انسانی) مشخصه‌گذاری می‌کنند و اینکه این گروه‌ها در

- سال ۱۳۷۲، جلد دوم، ص ۵۹۶.
۶- پیشین، ص ۵۹۷.
۷- علیرضا ازغندی، جلیل روشندل، مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۸، صص ۲۰۱-۲۰۲.
۸- رجوع شود به، ابومحمد عسکرخانی، سیری در نظریه‌های بازدارندگی، خلع سلاح و کنترل تسلیحات هسته‌ای، منبع پیشین صص ۲۱۳ و همچنین، مسائل نظامی استراتژیک معاصر، صص ۲۱۴-۲۱۱.
۹- احمد نقیب‌زاده، تحولات روابط بین‌الملل، تهران: نشر قومس، ۱۳۷۰، چاپ دوم، ص ۲۱۱.
۱۰- ضربه دوم در مقابل ضربه اول می‌باشد. ضربه اول یا first strike حالتی که در آن طرف اول، در یک حمله ناگهانی هسته‌ای، قسمت زیادی از تسلیحات اتمی طرف دوم را از کار بیندازد به نحوی که طرف دوم در جواب، نتواند خساراتی غیرقابل تحمل بر طرف اول وارد کند.
ضربه دوم یا تلافی جویانه: وضعیتی که یک طرف آنقدر نیروی هسته‌ای آسیب‌ناپذیری داشته باشد که حتی پس از تحمل ضربه اول، قادر به وارد آوردن ضربه تلافی جویانه بر طرف مقابل باشد.
۱۱- سید جمال حسینی، نگاه، گزارشها و تحلیل‌های نظامی - راهبردی، سال دوم، شماره ۱۷، آبان ۸۰، ص ۵۸.
۱۲- ابراهیم متقی، تحولات سیاست خارجی آمریکا، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۶.
۱۳- حسین سیف‌زاده، نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل، ص ۱۲۳.
۱۴- سعیده لطفیان، بازدارندگی، باجگیری هسته‌ای و جنگ اتمی، نظریه‌های مختلف گسترش و به‌کارگیری تسلیحات اتمی، اطلاعات ۷۶/۵۱۲، ص ۱۲.
۱۵- ابومحمد عسکرخانی، سیری در نظریه‌های بازدارندگی، خلع سلاح و... مجله سیاست دفاعی، ص ۲۱.
۱۶- در خصوص ویژگی اعتبار از منابع زیر بهره برده شده است. الف- نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل، صص ۱۳۷-۱۳۵. ب- مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، ص ۲۰۴. ج- جین شارپ، دفاع مبتنی بر غیرنظامیان، بازدارندگی و سیاست دفاعی نوین، مترجم: علی اصغر برزگر، مجله سیاست دفاعی، شماره ۲، سال اول، ص ۱۴۶. د- استراتژی بزرگ، ص ۷۱.
17- Adel Safty, Proliferation, Balance of Power and nuclear deterrence International studies january-March. 1996, volume33, No1. PP.30-31.
۱۸- مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، ص ۳۰۷.
۱۹- همان، ص ۲۱۷.
۲۰- جزوه درسی، درس استراتژی قدرتهای بزرگ، دانشکده اقتصاد

۸۱-۸۰ علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی - دکتر میرعرب نیمسال ۸۱-۸۰
۲۱- سعیده لطفیان، بازدارندگی، باجگیری هسته‌ای و جنگ اتمی،
نظریه‌های مختلف گسترش و به‌کارگیری تسلیحات اتمی، روزنامه
اطلاعات، ۱۲ مرداد ۱۳۷۶.

۲۲- نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ص ۶۴۰.

۲۳- بازدارندگی هسته‌ای و تأثیر آن بر امنیت بین‌المللی، پایان‌نامه
مقطع کارشناسی، حجت مقوم، دانشکده روابط بین‌الملل ۳۰-۲۸.

۲۴- روزنامه سلام، دوشنبه ۲۲ دی ۱۳۷۶.

۲۵- فصلنامه سیاست خارجی، هند، چین و روسیه، از نگاه ایالات
متحده، بهار ۱۳۷۹، ص ۹۶.

۲۶- روزنامه رسالت، ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۹، ص ۱۳.

۲۷- راهبردهای هسته‌ای و تصمیمات جدید دولت آمریکا برای
مقابله با تهدیدات شیمیایی و میکروبی، مجله سیاست خارجی، سال
دوازدهم، زمستان ۱۳۷۶، صص ۱۰۴۹-۱۰۴۶. (قسمت گزارش
نماینده دائم ج.ا.ا. در دفتر سازمان ملل).

۲۸- حمیرا مشیرزاده، طرح دفاع ملی موشکی آمریکا، فصلنامه
سیاست خارجی، سال دوازدهم، تابستان ۱۳۸۰، ص ۴۷۹.

۲۹- گرفته شده از واشنگتن پُست، ترجمه اداره کل مطبوعات و
رسانه‌های خارجی، ۱۳۷۹/۲/۲۰، ص ۳.

۳۰- حمیرا مشیرزاده، طرح دفاع ملی موشکی آمریکا، صص ۵۰۰-
۴۹۸.

۳۱- خلیل شیرغلامی، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ایالات متحده
و روسیه، مشارکت یا تقابل استراتژیک، شماره ۳۳، بهار ۸۰/ص ۱۶.

32- Roy Allison and christoph Bluth, The
Royal Institute of Affairs 1998, P.71.

۳۳- خلیل شیرغلامی، همان.

۳۴- اطلاعات، سه شنبه ۷۹/۱۲/۲۹، قسمت ضمیمه.

۳۵- روزنامه اطلاعات، ۷۹/۴/۱۶.

36- Adel Safty, Proliferation, Balance of power
and nuclear deterrence, International studies
january-march. 1996, volume33, No1. P.32.

۳۷- روزنامه توسعه، سه شنبه ۲۹ خرداد ۱۳۸۰، ص ۶.

۳۸- حمید فرهادی نیا، بازدارندگی هسته‌ای پاکستان، مجله نگاه،
گزارشها و تحلیلهای نظامی، شماره ۹، دی و بهمن ۱۳۷۹.

۳۹- قدرت احمدیان، کشمکش هسته‌ای هند و پاکستان، علل و
نتایج، مجله سیاست دفاعی، سال ششم، شماره ۲۲، بهار ۱۳۷۷،
ص ۱۷.

۴۰- زیبا فرزین نیا، چشم‌انداز صلح میان هند و پاکستان، مجله
سیاست خارجی، سال یازدهم، تابستان ۱۳۸۰، صص ۴۷۵-۴۷۴.

استفاده از تکنیکهای مخفی سازی بسیار متبحر
شده‌اند. چنین ویژگیهایی هم در مورد سیاست
اعلانی و هم برنامه‌های حمله، دستیابی به
بازدارندگی را بسیار مشکل می‌کند. به جهت
دلایل مادی (نبود سرزمین) و فرهنگی (ماهیت
«ویرانگر» آرمان این گروهها)، نمی‌توان
اقدامات بازدارندگی سنتی را در مورد بازیگران
غیر دولتی از جمله القاعده به کار برد.

علاوه براین، برای بسیاری در دولت ایالات
متحده، ایده‌ی بازدارندگی دو جانبه بین ایالات
متحده و عراق به شدت نفرت‌انگیز بود. این
ایده که سازمانی مثل القاعده نمی‌تواند مورد
کاربرد بازدارندگی قرار گیرد باید اصلاح شود.
اول، القاعده تا حدی به کنترل مؤثر یک دولت
(افغانستان) نزدیک شده بود و با چنین فرضی
بازدارندگی سنتی در مورد آن قابل اعمال
است.^(۳۷) دوم، اسامه بن لادن بارها حملات
یازده سپتامبر را تلافی «تجاوز» ایالات متحده
دانسته است و بدین معناست که وی منطق
«این به آن در» را که پایه‌ی بازدارندگی سنتی
است، قبول دارد.^(۳۸) سوم، بن لادن آشکارا به
استفاده از شکلی از بازدارندگی اشاره کرده
است: در مصاحبه‌ی اکتبر ۲۰۰۱، ظاهراً وی
گفت که، «اگر آمریکا از سلاح هسته‌ای یا
شیمیایی علیه ما استفاده کند، آنگاه ما نیز از
سلاح شیمیایی و هسته‌ای استفاده می‌کنیم. (..)
ما سلاحهای بازدارنده در اختیار داریم.»^(۳۹)
(نکته‌ی قابل توجه این است که نه در سؤال و
نه در جواب اشاره‌ای به تسلیحات بیولوژیکی



عنصری حیاتی از مفهوم امنیت سرزمینی است. دولت نیز همین عقیده را داشت. O دومین جهت، مفاهیم جدید بازدارندگی است. می توان چهار ایده ی متفاوت را در این زمینه ی تا حدی مهم (که قبل از یازده سپتامبر ایجاد شد) در نظر گرفت. اولین مسئله «متقاعدسازی» است که با ترکیبی از دو مفهوم آشنای «بازدارندگی دسترسی و دستیابی» و «بازدارندگی با انکار» سرو کار دارد. صرف دارا بودن تواناییهای نظامی متنوع از سوی ایالات متحده، بازیگران دولتی و غیر دولتی را در سرمایه گذاری در ابزار نامتقارن مانند موشکهای بالستیک و سلاحهای NBC ناامید می سازد چرا که ایالات متحده می تواند زرادخانه ی آنان را (با سلاحهای متعارف با دقت بالا) نابود سازد یا خود را با استفاده از (دفاع بالستیکی یا غیر بالستیکی) ایمن کند. ایده ی دیگر «بازدارندگی شخصی» است. رهبران تاحدی تبعات «شخصی» استفاده از حمله ی NBC (هسته ای - بیولوژیکی - شیمیایی) علیه منافع ایالات متحده را شبیه به عاقبت اسلوبودان میلوسویچ رئیس جمهور سابق یوگسلاوی (صربستان) می دانند. چنین مسئله ای به طور ضمنی در نامه ی مشهور جرج بوش که توسط جیمزبیکر وزیر امور خارجه قبل از جنگ خلیج فارس ۱۹۹۱ برای طارق عزیز، وزیر امور خارجه ی عراق فرستاده شد، گفته شده بود. و البته این

نشد: چرا که آن زمان بحبوحه ی حملات آنتراکس و بحران آن در جریان بود و بن لادن کوشید تا خود را از این مسئله دور نگه دارد. در سؤال خبر نگار نیز به این مسئله اشاره ای نشده بود. در نهایت، برخی از افراد در دولت بوش القاعده را در مرتبه ای می دانند که می تواند مورد بازدارندگی قرار گیرد: در اکتبر ۲۰۰۲، جرج تنت مدیر سیا تأکید کرد که مقامات ایالات متحده باید آنچه را که در مورد حملات جدید مهار تروریستها می دانند به تروریستها اطلاع دهند.^(۴۰)

در هر حال، یازده سپتامبر، جستجو برای مفاهیم جدید راه حل های تازه برای مواجهه با خطر فزاینده ی سلاحهای کشتار جمعی را ترغیب کرده است. ایالات متحده به طور هم زمان سه جهت گیری را مورد بررسی قرار می دهد.^(۴۱)

O اولین مورد، دفاع موشکی بالستیک است که مناظره در مورد آن اندکی پس از حملات یازده سپتامبر آغاز شد: این افراد معتقد بودند که دفاع موشکی دولتها را در برابر تهدیدات «واقعی» و نوظهور ایمن ساخته است.^(۴۲) اما موافقان دفاع موشکی با تأکید بر ماهیت غیرمنتظره و بی رحمانه ی حملات یازده سپتامبر این استدلال را رد می کنند. در نظر آنها، هیچ کس نمی توانست پیش بینی کند که «خطر بعدی از کجا خواهد آمد» یک مسئله تابو (حرام) شکسته شد. به عقیده ی آنان، دفاع موشکی

۷۶

تصمیم ظاهری ایالات متحده در مورد حفظ گزینه‌ی حملات هسته‌ای جدی به آن کشور تأثیری نگذاشته است و تعداد نیروهای هسته‌ای ایالات متحده از این مسئله خبر می‌دهد که این کشور حملات به زرادخانه‌ی روسیه را هنوز از نظر خارج نکرده است و به نظر می‌رسد دولت «نمی‌تواند گام آخر را بردارد» و توانایی حملات سریع به روسیه را انکار کند. بحران آنتراکس از بسیاری جهات با حوادث یازده سپتامبر مرتبط شد- و اگر چه ظاهراً اقدام تروریستهای بین‌المللی نبود- اما بیم از حملات بیولوژیکی و مفهوم بازدارندگی هسته‌ای در جهت بازدارندگی از این حملات را تقویت کرده است. ایالات متحده در دهه‌ی گذشته از سیاستی «مبهم» در این زمینه پیروی کرده است و به استفاده از «همه‌ی ابزار در دسترس» و «پاسخی قاطع» با ماهیتی نامشخص اشاره کرده است. از یازده سپتامبر تاکنون، دولت بوش تمایل به تغییر در این سیاست نشان نداده است. یک دلیل این است که با تأکید دولت کلینتون بر این سیاست، به نظر می‌رسد این جهت‌گیری آزمون زمان را پس داده باشد. دلیل دیگر، حضور مقامات رده بالایی است که در زمان جنگ خلیج فارس (هنگامی که این سیاست اعلام شد)، پستهای مهم داشتند: گرایش طبیعی آنان تأیید این سیاست بود.^(۴۴) به واقع، علی‌رغم تحلیل برخی از تحلیل‌گران، زمان استفاده شده در «استراتژی ملی مبارزه با سلاحهای کشتار جمعی» که در دسامبر ۲۰۰۲ منتشر شد .. «حق

مسئله در بین پیروان این رهبران پدید آمده که آنان نیز با اجرای فرمان استفاده از سلاحهای NBC مسئول خواهند بود. دونالد را مسفلد وزیر دفاع ایالات متحده حتی استفاده از NBC را «جنایت جنگی» دانسته است (بیانی دوپهلواز منظری کاملاً حقوقی). در نهایت، ایده‌ی سوم «بازدارندگی غیر مستقیم» خوانده می‌شود که در آن هدف بازیگر شبه‌دولتی نخواهد بود بلکه دولتهای حامی این گروهها هدف بازدارندگی خواهند بود.^(۴۳)

○ سومین مورد، سیاست پیش‌دستی است. اگر چه گزینه‌ی حمله‌ی پیش‌دستانه همیشه در سیاست دفاعی ایالات متحده (در برابر همین سیاست اتحاد شوروی) وجود داشت اما دولت بوش بر اهمیت آن افزوده است. حمله اسرائیل در ۱۹۸۱ به راکتور اسیراک که در آن زمان محکوم شد، اکنون توسط دولت بوش به عنوان نمونه به کار می‌رود. مورد عراق اولین آزمایش این سیاست آمریکاست که البته بیشتر در حوزه‌ی «پیشگیری» جای می‌گیرد تا «پیش‌دستی». همچنین در اوایل ۲۰۰۳، برخی در دولت بوش، از حملات پیشگیرانه علیه کره شمالی - با وجود خطرات آن - حمایت می‌کردند.

۱۲- مناظره‌ی دکترین هسته‌ای

اتحاد دو فاکتوی ایالات متحده با روسیه بر



ده سال بعد از جنگ سرد، هیچ تهدید متعارفی در برابر کشورهای ناتو قرار ندارد که اجرای بازدارندگی هسته‌ای را تضمین کند. اما آیا یازده سپتامبر نشان نداده است که آسیبهای زیاد و تلفات بسیار بدون توسل به سلاحهای NBC (هسته‌ای - بیولوژیکی - شیمیایی) امکان پذیر است یا حتی با استفاده از هر ابزار نظامی؟ می‌توان استدلال کرد که تجاوز متعارف غیر نظامی از سوی یک دولت می‌تواند در حضور بازدارندگی هسته‌ای روی دهد. موافقان دکترین «عدم استفاده‌ی اول از سلاحهای کشتار جمعی» اکنون نسبت به قبل از یازده سپتامبر از اعتبار کمتری برخوردارند.

۱۳- تأثیر بر رقابتهای هسته‌ای

رقابتهای عمده‌ی استراتژیک بین کشورهای هسته‌ای از سوی جنگ علیه تروریسم مورد تشدید قرار گرفتند.^(۴۶) رقابتهای سه قدرت بزرگ هسته‌ای (چین، روسیه، و ایالات متحده) به شدت کاهش یافته‌اند. واکنشهای روسیه پس از یازده سپتامبر و کمک این کشور به مبارزه علیه تروریسم بین‌المللی سبب شده تا دفتر جنگ سرد هر چه بیشتر به سوی بهبود بسته شود. چنین اقداماتی موقعیت افرادی را که در دولت بوش معتقدند اقدامات کنترل سنتی تسلیحات به گذشته تعلق دارند، تقویت کرد. این اقدامات روسیه، این کشور را به عنوان نه متحد و نه دشمن و نه به عنوان همکار واقعی امنیتی مطرح نکرد. موازنه‌ی ایالات متحده

پاسخ با نیرویی قاطع»، ترک و کنارگذاری سیاستهای دولتهای قبلی نبود.

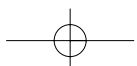
یک نکته قابل ذکر است: مقامات کنونی ایالات متحده با مفهوم بازدارندگی هسته‌ای در جلوگیری از استفاده از سلاحهای بیولوژیکی نسبت دولت بوش پدر و دولت کلنتیون گرایش بیشتری نشان می‌دهند (دولتهای قبلی مورد نقض «تضمینهایی امنیت منفی» که به بازیگران غیرهسته‌ای داده شده بود، بسیار محتاط بودند).^(۴۵)

حوادث روی داده از زمان یازده سپتامبر به بعد، تأملات مقامات دولتی و تحلیل‌گران امنیتی را در این زمینه تقویت کرده است؛ تحلیل‌گرانی که از استفاده‌ی مستقیم و علنی از سلاحهای هسته‌ای دفاع می‌کنند. بدین ترتیب این گفتار قوی: «توسل به همه‌ی گزینه‌های موجود»، در استراتژی ملی مبارزه با سلاحهای کشتار جمعی گنجانده شد.

دولت بریتانیا نیز به نوبه‌ی خود در سال ۲۰۰۲ تصریح کرد که سیاست «پاسخ مناسب» را در جواب هرگونه استفاده از سلاحهای هسته‌ای، شیمیایی یا بیولوژیکی از سوی عراق، دنبال می‌کند.

درس نهایی یازده سپتامبر این است که اعتبار بازدارندگی هسته‌ای در مقابل خطرات ناشی از سلاحهای غیرکشتار جمعی که کشورهای غربی را تهدید می‌کنند، به کنار گذاشته شده است. قبل از یازده سپتامبر، سیاستگذاران و تحلیل‌گران باور می‌کردند که

۷۸



چنین شکل متفاوتی دارد. تا روز ده سپتامبر، موضوع اصلی بازدارندگی ایالات متحده - چین به نظر می‌رسید موضوع مناظره‌ی اصلی هسته‌ای آتی باشد. در نتیجه‌ی اولویت‌های استراتژیکی متغیر ایالات متحده و شرایط جدید همکاری بین واشنگتن و پکن. که مدت زمان زیادی نبود که به عنوان «رقبت استراتژیکی» مطرح شده بود، تحلیل‌گران معتقدند که جمهوری خلق چین به عنوان بازنگری هسته‌ای در لیست اولویت‌های کاخ سفید در رده‌ی آخر قرار دارد و بازدارندگی ایالات متحده - چین از جریان اصلی تحلیل‌گران استراتژیکی ایالات متحده خارج شده است. واکنش چین نسبت به خروج ایالات متحده از پیمان ABM، در مقایسه با لفاظی‌های مقامات چینی در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱، بسیار ساکت و بی‌سروصدا به نظر می‌رسید. با این حال، قوت سیاسی و نظامی پویش این مسئله (مسئله تایوان، اتحاد ژاپن-ایالات متحده، نقش آینده‌ی چین در آسیا و...) حاکی از این مسئله هستند که این مناظره در دهه‌ی آینده صرف نظر از تحول جنگ علیه تروریسم به عنوان موضوعی اصلی مطرح خواهد شد. (در صورت افزایش فعالیت‌های نظامی ایالات متحده در آسیای مرکزی، احتمالاً اصطکاکات بیشتری بین ایالات متحده و چین بروز خواهد کرد.)

استقرار عمل موشکی حوالی سال ۲۰۰۴ سبب خواهد شد تا پکن گزینه‌های مناسب مدرنیزه کردن برنامه‌هایش را انتخاب کند تا بتواند در برابر این دفاع، اقدامات متقابل انجام دهد یا راه‌گریزی از آن به دست آورد. مثلث هسته‌ای آسیا در این بین استثناست. رقابت بین هند و پاکستان تحت تأثیرات سپتامبر و جنگ افغانستان قرار گرفته است. ارتباط ایالات متحده - پاکستان و لغو همزمان تحریم‌های اسلام‌آباد و دهلی نو، دو قدرت آسیای جنوبی را در شرایط یکسانی قرار داده است. هند که داشت خود را به عنوان قدرت جهانی نوظهور مطرح می‌کرد، همان گونه که یک متخصص اشاره کرده است، «به محدوده‌ی منطقه‌ای خود بازگشت.»

عملیات علیه افغانستان اثراتی تسری بخش داشت و تروریست‌های اسلام‌گرا به انجام اقداماتی متهورانه‌تر (مانند حمله به پارلمان هند) تشویق شدند. هند به نوبه‌ی خودش به بهانه‌ی حملات تروریستی جدید و عملیات نظامی ایالات متحده به مشروعیت بخشی اقدامات ضدتروریستی خود پرداخته است و با این کار خطرات افزایش نظامی‌گری در آسیای جنوبی را افزایش داده است - اقدامات هند در امتداد خط کنترل (Line of Control).

اگر چه رقابت هسته‌ای هند و پاکستان، با توجه به سیاست‌های بین‌المللی هر دو کشور که بر تروریسم و روابط با ایالات متحده متمرکز شده است، اهمیت خود را تا حدی از دست می‌دهد اما «علل ریشه‌ای» این رقابت از سوی جنگ علیه ترور دچار تغییر نشده است.

به طور خلاصه، حوادث یازده سپتامبر

for International Nuclear Agreements" **Fondation pour la Recherche Stratégique**.
3- see Frank Umbach, "Nuclear Energy Issues: Global Dimension and Security Issues". FPRS.

4- Robert Alvarez, "What About the Spent Fuel?" **Bulletin of the Atomic Scientists**, Jan/Feb 2002, pp. 45-47.

- در حال حاضر ظاهراً چهل هزار تن سوخت مصرف شده در راکتورهای تجاری ایالات متحده وجود دارد.

۵- برخی از وابستگان القاعده که توسط دولتهای غربی بازجویی شده‌اند، اعلام داشته‌اند که آمادگی عبور از این «آستانه» را نداشته‌اند.

6- See David Albright, Al Qaeda's Nuclear Program: Through the window of Seized Documents, **The Navitus Institute, Special Forum 47,6** November 2002.

7- Graham Allison, "Could Worse be yet to come?", **The Economist**, 3 November 2001, p. 20.

8- Bob Ward, **Bush at War** (Newyork, Simon and Schuster, 2002) p. 271.

9- See Frank Umbach, "Nuclear Energy Issues: Global Dimensions and Security Challenges, **Fondation pour la Recherche Stratégique**.

۱۰- تاکنون هزینه‌ی اقدامات امنیتی جدید در ایالات متحده ۵ تا ۶ میلیارد دلار برای هر نیروگاه بوده است.

11- Richard A. Meserye, "Nuclear Security Issues in the Post - Sep11 Environment, "Speech before the Institute of Nuclear Power Operations, **Atlanta, GA**, 8 November 2001.

12- Daniel Hirsh, "The NRC: What Me Worry? Bulletin and **the Atomic Scientists**, Jun/Feb 2002, pp. 39-40.

13- See Alexander A. Pikayev, "Non-Proliferation: Possible New Trends after September 11. and Jon B. Wolfstahl, "Proliferation & Non- Proliferation: What's Changed- What hasn't?", **Fondation Pour la Recherche Stratégique**.

14- Mushahid Hassan, "Media off target with Pakistan nuclear Scare", **Asia Times**

۲۰۰۱، ماهیت مناظره‌ی هسته‌ای را دچار تغییری شدید و کامل نساخته است. با این حال، تأثیراتی مهم که گاهی اوقات ماهیتی پارادوکسیکال و متناقض دارند، سیاستهای هسته‌ای را متأثر ساخته است و عموماً به ترغیب روندهای حاضر پرداخته است.

اما شاید مهمترین درسی که می‌توان از حوادث یازده سپتامبر و جنگ علیه تروریسم آموخت، فی‌نفسه در محدوده‌ی مسائل هسته‌ای قرار نمی‌گیرد. ساختار بندی این مسئله به نگاهی وسیع‌تر نیازمند است که وجود یک پارادوکس را مشخص می‌کند: اگر چه واژه‌ی «هسته‌ای» در مناظره‌ی هسته‌ای پس از یازده سپتامبر در همه جا به چشم می‌خورد، اما به نظر می‌رسد ایالات متحده و متحدانش استفاده از سلاحهای هسته‌ای را در مرکز سیاستهای امنیتی خود قرار نداده‌اند. برای اولین مرتبه از سال ۱۹۴۵ تاکنون، تعریف بنیادها و اصول امنیت غرب پیوستگی و وضعیت توأمایی خود را با مناظره‌ی بازدارندگی هسته‌ای از دست داده است.

پانوشته‌ها

1- Barton Gellman, "Fears Prompt US. to Beef Up Nuclear Terror Detection. Sensors Deployed Near D.C., Borders. Delta Force on Standby.", **The WashingtonPost**, 3 March 2002. p. A1.

2- On this topic see the contribution by: Michael May, "September 11 and the Need



2002.

۲۳- تصمیم بسیار مورد انتظار کوبا برای الحاق به NPT با جهت گیریهای سیاست آمریکا تحت تأثیر قرار گرفته است. ۲۴- در مورد ایران نگاه کنید به:

Alexander A. Pikayev, "Non -Proliferction: Possible New Trends After September 11", **FPRS**.

۲۵- در سخنرانی جان بولتون معاون وزیر امور خارجه آمریکا در امور کنترل تسلیحات و امنیت بین المللی در افتتاحیه کنفرانس خلع سلاح در ۲۴ ژانویه ۲۰۰۲، از ایران در کنار عراق و کره شمالی نام برده نشد.

۲۶- طبق نظرنیکولای سوکف: لغو تحریمهای هند از سوی ایالات متحده، چراغ سبزی است برای روسیه تا همکاری در مورد فناوری موشکی و هسته ای را با هند افزایش دهد. همین منوط در مورد ایران صادق است. «بخش ویژه حملات یازده سپتامبر».

Roundtable on the Implications of Sep 11, 2001, Terrorists Attacks for Non-proliferation and Arms control **The Non-Proliferation Review**, Fall-Winter 2001, p.121.

27- Barton Gellman, "Fears Prompt US...", (Andrew Koch and Christopher F. Foss). **Pakistan Strengthens nuclear Security**", **Jane's Defence Weekly**, 9 October 2002 p.25).

- در حالی که بخش برنامه ریزی استراتژیک کنترل صادرات هسته ای و امنیت هسته ای را بر عهده دارد به نظر می رسد در تابستان ۲۰۰۲ انتقالهایی به کره شمالی صورت گرفته باشد.

28- "Two retired Nuclear Scientists admit to meeting Osama bin Laden" **Dawn** (Internet Version), 12 Novembrer 2001; Kamran Khan and Molly Moore, "2 Nuclear Experts Briefed Bin Laden", Pakistanis say, **Washington Post**, 12 December 2001, p. A1.

۲۹- منابع ایالات متحده خبر داده اند که در سال ۱۹۹۹، اسلام آباد در تماس با طالبان، گزینه ی انتقال تسلیحات به افغانستان مورد بررسی قرار گرفت.

(Moore & Kamran, "Pakistan Moves Nuclear...")

- Seymour M. Hersch "Watching the Warheads. The Risks to Pakistan's nuclear Arsenal, **The New Yorker**, 5 November 2001, pp. 48-54.

30- Stephen L. Schwartz, "Where's Dick?" **Bulletin of the Atomic Scientists**, Jan / Feb 2002. p. 7.

(Internet Version), 7 November 2001.

15- "N-assets: under foolproof controls: Sattar rejects analysts' fear", **Dawn** (Internet Version) 2 November 2001; Molly Moore and kamran Khan, "Pakistan Moves Nuclear Arsenal And Tightens Control Over Arms", **International Herald Tribune**, 12 November 2001, p. 1.

16- See for instance. "Pakistan Rejects Help", **The Washington Times**, 19 October 2001, in reference to a Visit by US Secretary Colin Powell to Islamabad.

- با این حال قدیر ستار اعلام داشته که جواب پاکستان مثبت بوده است.

- See Greg Myre, "US Wants to Advise Pakistan on Nukes" **Associated Press**, 3 November 2001; "N-assets under foolproof controls: Sattar reject analysts fear, **Dawn** (Intemet Version), 2 Noremder 2001

17- See Bryan Bender, "Pakistan: US Visit Finds Continuing Obstacles to Nuclear Cooperation" **Global Security Newswire**, 8 October 2002.

18- Danielle Brian, Lynn Eisenman & Peter D. H. Stockton, "The Weapons Complex: Who's Guarding the Store?" **Bulletin of Atomic Scientists**, Jan/Feb 2002, pp. 45-55.

19- "Al Qaeda Suspect Says He Targeted Belgian Nuke Base" **Reuters**, 14 November 2002.

20- See declarations of Colonel - general Igor Volynkin, Chief of the 12th Main Directorate, reported in **Rossiyskay a Gazeta**, 1 November 2002.

۲۱- سناتور کارل لوین اعلام داشته که «با شکست در نابودی کلاهکهای هسته ای، وضعیت هسته ای خطر گسترش وقتی افزایش می یابد که گروه القاعده به دنبال سلاح هسته ای باشد.» **Review**, 14 February 2001, levin. senate.

gov/ floor/ 021402 esl. htm).

Opening Statement of Senator Carl Levin, Chairman, Committee on Armed Services. Hearings on the Results of the 2001 Nuclear Posture

22- **Global Security Newswire**, 15 Norvember

If U.S uses N-arms it will get the same response", **Dawn (Internet Version)**, 10 November 2001.

40- See Wood, op. cit. p. 271.

۴۱- در کنار ایالات متحده، اسرائیل تنها کشوری است که تفکر استراتژیک خود را این گونه شکل داده است. حفظ گزینه‌ی اقدام پیشدستانه (سابقه‌ی حمله به اسیراک) و دفاع موشکی سرزمینی (سیستم پیکان) و آن گزینه‌ها را به گزینه‌های بازدارندگی «غیر متعارف» افزوده است.

۴۲- به گفته کارل لوین: «دیگر حامیان دفاع ملی موشکی به مانند آنچه جرج بوش ماه می اعلام کرد نمی توانند بگویند که موشکهای بالستیک در اختیار رژیمهای یاغی اضطراری ترین تهدید امروز را تشکیل می دهند.» نگاه کنید به:

- Senator Carl Levin, "A Debate Deferred: Missile Defense After the September 11 attacks", **Arms Control Today (Internet Version)**, November 2001.

۴۳- همان گونه که ظاهراً کندولیزا رایس در اکتبر ۲۰۰۲ اعلام کرده است، «آنها قابل بازدارندگی نیستند اما می توانیم باعث شویم دیگران به بن لادن کمک نکنند و آنها را در حمایت از وی ناامید کنیم.» به نظر ریاست جمهوری بوش همین نظر را دارد. نگاه کنید به:

- Wood Ward, op. cit. p. 23, p. 218).

44- See Woodward, op. cit., p. 218.

۴۵- جان بولتون، معاون وزیر خارجه در امور کنترل تسلیحات و امنیت بین المللی در اوایل سال ۲۰۰۲ اعلام کرد که: ما به بیانیه های تئوریک دیگر دولتها نخواهیم پرداخت... این ایده که تئوریهای بازدارندگی در مورد همه جواب می دهد، و در تصمیمهای امنیت منفی نهفته است، درستی خود را با حوادث یازده سپتامبر از دست داده است. ما در دفاع از مردم آمریکا آنچه را که لازم باشد، انجام می دهیم نقل قول شده در:

- Nicholas kralev, "US drops pledge on nukes.", **The Washington Times (Intrnet Version)**, 22 Feb 2002.

اندروکاردر، رئیس ستاد کاخ سفید با منطقی یکسان در پاسخ به این سؤال که آیا ایالات متحده با حملات هسته‌ای به اقدامات شیمیایی و بیولوژیکی پاسخ می دهد یا نه؟ گفت: «ما در دفاع از ایالات متحده، هر کاری را انجام می دهیم.» نگاه کنید به :

- Dana Milbank, U.S. Pressed on Nuclear Response. A.Policy of Less Ambiguity, More Pointed Threat Is Urged.", **Washington Post**, 5 october 2001, p. A16.

46- See Brad Roberts, "The Nuclear Balance of Terror and sep ll" FRPRS, and Michael May, op. cit.

- طبق گزارشات مطبوعات، دیک چنی ۸۰ درصد وقت خود را در مکانهایی خارج از دسترس سلاحهای هسته‌ای کوچک به سر می برد.

31- Stephen S. Schwartz, "Foreword", in L.Douglas Keeney, **The Domsday Scenario**, (St Paul, MN: MBI. Publishing Company 2002) PP.9-20, and Bob Wood Ward, "Ten days in September", **Washington Post Series**, January 2002

32- Barton Gellman and Susan Schmidt, "Shadow Government Is at Work In Secret. After Attacks, Bush Ordered 100 Officials to Bunkers.." **The Washington Post**, March 1, 2002, P.A1.

۳۳- استیو بایر گفت که اگر القاعده مسئول حملات آنتراکس باشد، وی از استفاده از سلاح هسته‌ای طرفداری می کند. (www. indystar. com, 18 October 2001.)

توماس وودرو در واشنگتن تایمز از حمله هسته‌ای تاکتیکی علیه القاعده حمایت کرد.

("Time to Use the Nuclear Option" 14 September 2001.)

۳۴- برای سخنان یک مقام رسمی ایالات متحده رجوع کنید به: -News Transcript, Secretary Rumsfeld Interview for **ABC This Week**, September 16, 2001, www.defenselink.mil/news/sep2001/t09162001-t0916 sd.html

35- Quoted in Arkin, "Some thnigs...."

۳۶- برخی از متخصصین معتقدند که تأکید NPR بر نیاز تواناییهای بیشتر هسته‌ای به جنگ با ترور مرتبط است. طبق نظریون تامپسون از مؤسسه‌ی لگزینگتون، «بخش بزرگی از محاسبه‌ی بن لادن کم اهمیت تر از آن است که به آن پاسخ داده شود. آنها می خواهند مسئله‌ای را به وجود آوردند که اصلاً مورد بحث نیست.» (نقل شده در:

Ann Scott Tyson, "Nuclear plan changes calculus of detreerence", **The Chisrtian Science Monitor (Intenet Version)**, 14 March 2002.

۳۷- سؤال دیگر این است که آیا یک دوست مسئولیت حملات یازده سپتامبر را بر عهده می گیرد یا نه؟

38- See for instance a 1997 interview quoted in William M. Arkin. "Some things Never Change" **Bulletin of the Atomic Scientists**, Nov/Dec 2001. p. 80.

39- Hamid Mir, "Osama claims he has nukes"